پژوهشنامه خراسان بزرگ
شماره ۴۸ پاییز ۱۴۰۱
No.48 Fall 2022
۶۸-۳۹
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

تبیین برخورد با زمینه در آثار شاخص معماری بافت مرکزی شهر مشهد در دوره پهلوی دوم (نمونه‌های موردی: بازار رضا(ع)، ایستگاه راه‌آهن مشهد، آرامگاه نادرشاه)

➢ **مائده علی میرزایی:** دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه غیرانتفاعی خیام، مشهد، ایران
➢ **خسرو صحاف:** استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (Khosro_sahaf@mshdiau.ac.ir)

چکیده

بافت سنتی شهر، میراث‌دار ارزش‌ها، تاریخ و فرهنگ گذشتگان است که در قالب کالبد شهری به نمایش در آمده است. تحولات ناشی از طرح‌های نوسازی در بافت سنتی شهرها موجب گسست بین معماری معاصر با گذشته شده است. از این‌رو، در زمینه‌های ارزشمندی که در سال‌های اخیر دچار تغییرات کالبدی شده‌اند می‌توان با تحلیل چگونگی برخورد آثار شاخص معماری گذشته با زمینه به راهکارهایی متناسب با ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و کالبدی دست یافت. ضرورت این پژوهش، از یک‌سو متوجه اهمیت زمینه بافت مرکزی شهر مشهد است که در خلال طرح‌های نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی هویت خود را از دست داده است و از سوی دیگر معطوف به ابعاد پنهان معماری آثار شاخص دوره پهلوی دوم بافت مرکزی شهر مشهد در ارتباط با زمینه است، بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین برخورد با زمینه در آثار شاخص معماری دوره پهلوی دوم و ارائه راهکارهای طراحی جهت تداوم هویت معماری زمینه مذکور است. این پژوهش دارای رویکرد کیفی و مطالعه بر روی نمونه‌های موردی است که از روش توصیفی-تحلیلی برای دسته‌بندی مؤلفه‌های مبانی نظری و از روش مقایسه تطبیقی جهت بررسی نمونه‌های موردی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در بین نمونه‌های موردمطالعه، بازار رضا بیشترین میزان زمینه‌گرایی را دارد و مقبره نادرشاه و ایستگاه راه‌آهن بیشترین میزان منطقه‌گرایی را دارند و در هر سه بنا، گرایش به منطقه‌گرایی در حوزه مصالح و معماری بومی منطقه وجود دارد. همچنین توجه به زمینه بصری مهم‌ترین عاملی است که در آثار مذکور رعایت شده است. درنهایت، راهکارهایی جهت تداوم معماری زمینه ارائه می‌شود.

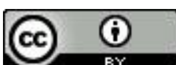
واژگان کلیدی: زمینه، زمینه‌گرایی، منطقه‌گرایی، بافت مرکزی، شهر مشهد

Abstract

The traditional texture of the city is the heritage of past values, history, and culture displayed in the urban body. Renovation project development in the traditional context of cities has caused a rift between past and contemporary architecture. Thus, in valuable fields that have undergone physical changes in recent years, to achieve appropriate solutions for the context's historical, cultural, and physical values by analyzing how the past architectural significant works deal with the field. This research is necessary to realize the importance of Mashhad's central texture, which has lost its identity during the renovation projects of the texture close to the holy shrine. On the other hand, focusing on the hidden dimensions of architecture, the significant works of the second Pahlavi period, and the central texture of Mashhad is related to the context. This study aims to explain dealing with the field in the architectural significant works at the second Pahlavi period and provide solutions for continuing the architectural identity of its field. The present study has a qualitative approach and case survey samples; the descriptive-analytical and comparative comparison methods are used to classify the components of theoretical foundations and examine case samples, respectively. According to the results, the architecture of the Reza Bazaar building has the highest level of contextualism; both Nader Shah's tomb and railway station have a high level of regionalism; in all three buildings, there is a tendency towards regionalism in local materials and architecture. Also, the visual context is the most important background factor observed in the mentioned works. Finally, we proposed solutions to continue the architecture of the central context of Mashhad.

Keywords: context, contextualism, regionalism, central context of Mashhad

*نویسنده مسئول مکاتبات: (maedehalimirzaee@yahoo.com) مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد مائده علی میرزایی با عنوان «طراحی فرهنگسرا با رویکرد معماری منطقه‌گرا» که با راهنمایی جناب آقای دکتر صحاف در دانشکده معماری دانشگاه غیرانتفاعی خیام انجام شده است.



مقدمه

معماری سنتی ایران بهتر از بسیاری از معماری سنتی کشورهای دیگر به خصوصیات مکانی و ارزش‌های بستر توجه داشته و به تعامل با زمینه خود پرداخته است، اما امروزه با وجود گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی ایران و با وجود برخی توفیقات نسبی، معماری و شهرسازی معاصر را نمی‌توان به ارزش‌های اصیل بستر منتسب نمود، تا جایی که بسیاری از صاحب‌نظران از بروز بحران هویت در این معماری و شهرسازی سخن به میان می‌آورند (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۵؛ بهزادفر، ۱۳۸۷: ٤٥). درواقع، بعد از رواج معماری مدرن و اجرای طرح‌های نوسازی در بافت‌های شهری، گسستی بین معماری گذشته با معماری معاصر صورت گرفت که به‌تبع ارزش‌های فرهنگی، کالبدی و تاریخی، زمینه را با چالش‌هایی مواجه کرد. این تغییرات در اغلب شهرها گسترش یافت، اما در بین بافت سنتی شهرهای ایران بیشترین تغییرات در بافت مرکزی شهر مشهد و در ادامه طرح‌های توسعه و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع) صورت پذیرفت. بااینکه شهر مشهد، به‌عنوان پایتخت معنوی ایران نقش هویت‌سازی در میان شهرهای دیگر ایران دارد، اغلب ساخت و سازهای امروزی آن تقلیدی کورکورانه از پست‌مدرن اروپایی، طرح‌های نئوکلاسیک و یا تجزیه احجام و نمایش سازه‌های غول‌آسا است که سبب بی‌هویتی در معماری امروز این شهر شده است. با توجه به اهمیت مرکز شهر به دلیل استقرار مرقد مطهر حضرت رضا(ع)، گستره بافت قدیمی، وسعت زیاد و تمرکز زائران، از گذشته شاهد مداخلات متعددی بوده است. اقدامات مداخله‌جویانه در قالب اجرای طرح‌های نوسازی در داخل محدوده مرکزی و خارج از آن از ۱۳۰۰ش به بعد، منجر به تخریب صدها بنای با ارزش شهری در شهر مشهد شده است و به‌جرئت می‌توان گفت این شهر، هویت کنونی و توسعه خود را مرهون استقرار آرامگاه امام هشتم شیعیان و توجه ویژه به آن طی دوره‌های مختلف تاریخی است. بااین‌حال، با وجود پیامدهای گسترده مداخلات شهرسازی و معماری، بناهایی هم در این دوران در شهر مشهد ساخته شدند که امروزه از ارکان هویتی شهر به‌حساب می‌آیند. درواقع، تقدس مکانی حریم حرم امام رضا(ع) و توانایی مالی تولیت‌های حرم، فرصت احداث بناهای باشکوه را در شهر مشهد و خصوصاً پیرامون حرم مطهر فراهم آورد (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۸). تغییرات و پیامدهای منفی ناشی از طرح‌های نوسازی بافت مرکزی شهر مشهد این ضرورت را به وجود آورد که برای احیای هویت آن، بناهای شاخص بافت مرکزی شهر که در دوران رواج معماری نوین ایرانی (دوره پهلوی دوم: ۱۳۵۷-۱۳۲۰ش) ساخته‌شده‌اند، بررسی شوند. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد است تا با بازخوانی و بررسی معماری این بناها و رابطه آن‌ها با زمینه، به ویژگی‌ها و راهبردهایی جهت احیا و تداوم هویت منطقه دست یابد.

موضوع تداوم معماری گذشته نیز از ابتدای ظهورش با دیدگاه‌های مختلف شکل‌گرفته و هیچ‌گاه به شکل یک اندیشۀ رایج در یک کشور و یا بخشی از جهان رواج نیافت (معماریان، ۱۳۹۳: ٦۲). رخداد بین زمینه و معماری ازجمله مقولات مهم در عرصه معماری و طراحی شهری معاصر است که به دغدغه اصلی برنامه‌ریزان و مدیران شهری تبدیل شده است. دو رویکرد زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی عمدتاً به‌عنوان واکنش‌های مستقیم به زمینه‌ای که طرح در آن شکل می‌گیرد، مطرح می‌شوند (Jormakka, 2017: 60-62). در این پژوهش، بافت مرکزی شهر مشهد (منطقه ثامن) به سبب قرارگیری حرم مطهر رضوی در این محدوده و اهمیت آن در شکل‌گیری شهر و تأثیر آن بر روی معماری ابنیه، به‌عنوان محدوده موردمطالعه انتخاب شده است. از دلایل دیگر انتخاب این محدوده، همزمانی ساختِ بخشی از بناهای این محدوده با دوره پهلوی دوم است. به همین سبب، از مؤلفه‌های منطقه‌گرایی به‌واسطه نقش میانجیگری آن بین سنت و مدرنیسم (دیبا و همکاران، ۱۳۹۹: ۱٦۸-۱٦۷) و از مؤلفه‌های زمینه‌گرایی به جهت نقش آن در درک و تداوم ارزش‌های زمینه (شاهی‌زارع و همکاران، ۱۳۹۹: ۱٥٤) برای تبیین تأثیرپذیری از زمینه در آثار شاخص دوره پهلوی دوم بافت مرکزی شهر مشهد و همچنین ارائه راهبردهای طراحی برای تداوم هویت زمینه مذکور استفاده‌شده است. پژوهش پیشرو درصدد پاسخ به این سؤال است که برخورد (رویکرد) بناهای شاخص دوره پهلوی دوم بافت مرکزی شهر مشهد نسبت به زمینه، بر اساس مؤلفه‌های منطقه‌گرایی و زمینه‌گرایی چگونه است؟ و تداوم معماری زمینۀ با ارزشی

مانند بافت پیرامون حرم مطهر با چه راهکارهایی قابل کاربست است؟ هدف از این پژوهش در وهله نخست مطالعه بر روی زمینه، زمینه‌گرایی، منطقه‌گرایی و ویژگی‌های محدوده مکانی موردنظر است تا در مراحل بعدی بتوان به مؤلفه‌هایی جهت ارزیابی و تبیین تأثیرپذیری آثار مذکور از زمینه و ارائه راهبردهای طراحی در این زمینه دست‌یافت.

پیشینه پژوهش

با توجه به موضوع اصلی پژوهش، توجه به پیشینه مطالعاتی که شامل موضوعاتی نظیر «رویکردهای برخورد با زمینه»، «بافت مرکزی شهر مشهد» و «معماری معاصر مشهد» است، ضرورت می‌یابد. در چند دهه اخیر پژوهش‌هایی در راستای زمینه‌گرایی صورت گرفته که در جدول ۱ خلاصه‌ای از این پژوهش‌ها آورده شده است. در اکثر این پژوهش‌ها به بررسی جنبه‌های غیرانسانی زمینه همچون ویژگی‌های کالبدی پرداخته شده و کمتر به جنبه‌های انسانی همچون ابعاد فرهنگی و ارتباط آن با ویژگی‌های کالبدی توجه شده است. از این‌رو، بداعت و نوآوری این پژوهش در این است که توجه ویژه‌ای به شاخصه‌های فرهنگ زمینه، یعنی فرهنگ اسلامی و ارتباط آن با نماسازی بناهای مذکور دارد، زیرا نمای ساختمان در رویکرد زمینه‌گرایی به‌عنوان رابط بین معماری و شهرسازی نقش اساسی ایفا می‌کند و در شهری مانند مشهد (به‌عنوان پایتخت معنوی ایران)، برخورداری از منظر شهری مطابق با ویژگی‌های فرهنگ اسلامی، اهمیت می‌یابد. ازجمله پژوهش‌های انجام‌شده درباره بافت پیرامون حرم مطهر یا منطقه ثامن می‌توان به مقاله‌ای به عنوان *سنجش اثرات همگرایی نیروهای مذهب و اقتصاد در شکل و فرم منطقه ثامن شهر مشهد در دوره معاصر* از محمدرضا پورجعفر اشاره کرد که با بررسی نقش دو نیروی قابل‌توجه ارزش‌های مذهبی و ارزش‌های اقتصادی بر شکل و فرم بافت پیرامون حرم (منطقه ثامن) در دوره معاصر، به دنبال شناخت ارزش‌های معنوی (مذهب) و ارزش‌های مادی (اقتصادی) و ارزیابی اثرات همگرایی و تعامل این دو نیرو بر شکل و فرم نهایی منطقه است. مقاله دیگری با عنوان *طراحی شهری و منطقه‌ای زمینه‌گرا در مسیر سفر امام رضا(ع) به ایران* از مولائی و پیربابائی که به بررسی بازشناسي محور حرکت امام رضا(ع) در ایران به‌منظور توسعه برنامه‌ریزي و طراحي شهرها و مناطق در این مسیر، برمدار زمینه‌ها و ارزش‌هاي رضوي می‌پردازد و بیان می‌کند که ایجاد محور فرهنگي رضوي به‌صورت یکپارچه نیازمند تقویت و ایجاد زیرساخت‌هاي موردنیاز در ابعاد مختلف خواهد بود.

در باب منطقه‌گرایی آثار شاخص معماری معاصر شهر مشهد می‌توان به مقاله‌ای با عنوان *بازخوانی رویکردهای منطقه‌گرایی در بناهای شاخص معاصر شهر مشهد* از داراب دیبا و همکاران اشاره کرد که به‌مرور ویژگی‌های منطقه‌گرایی می‌پردازد و رویکردهای منطقه‌گرایی را در ۲۷ اثر از بناهای شاخص شهر مشهد بررسی می‌کند و درنهایت بیان می‌دارد که اصول منطقه‌گرایی در مشهد با نیازهای دوره معاصر سازگار نیست. درواقع، تمامی مطالعات ذکرشده زمینه‌ساز بستر پژوهش پیشرو هستند و نشان می‌دهند که نه‌تنها پژوهش جامعی درباره نحوه برخورد با زمینه و تأثیرپذیری از آن در رابطه با معماری دوره پهلوی دوم بافت مرکزی شهر مشهد (منطقه ثامن) انجام نشده است، بلکه تاکنون پژوهشی در راستا بررسی ابعاد پنهان معماری بناهای مذکور همچون پیشینه تاریخی، ارتباط با فرهنگ اسلامی و ویژگی‌های کالبدی محیط پیرامون آن‌ها انجام نشده است. از این‌رو، نیاز به تحقیق و مطالعه در حوزه زمینه‌گرایی در آثار شاخص دوره پهلوی دوم بافت مرکزی شهر مشهد، احساس می‌شود.

جدول ۱: خلاصه پژوهش‌های پیشین (مآخذ: نگارندگان)

پژوهشگران	عنوان	توضیحات
برنتسی برولین	معماری در زمینه-سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم	به توضیح معماری زمینه‌گرا، با تأکید بر رویکرد کالبدی آن می‌پردازد و شالوده اصلی کار او مطالعه بر روی نمونه‌های موردی از اروپا و آمریکا است.
لیندا گروت	Contextual Compatibility in architecture	راهبردهای طراحی ذکرشده را به سه دسته سازماندهی سایت، توده گذاری و طراحی نما، تقسیم نمود و نظامی ایجاد کرد که بر اساس آن، نمونه‌ها و هارمونی با محیط اطراف، با رتبه‌بندی مقادیرشان در مقیاسی که حداقل آن یک و حداکثر آن هفت است، ارزیابی می‌شدند. بیشترین مقدار، نشانگر تکرار و تقلید بود، درحالی‌که کمترین میزان، تقابل و تضاد را نشان می‌داد.
نوین تولائی	زمینه‌گرایی در شهرسازی	دسته‌بندی رویکردهای «زمینه‌گرایی در شهرسازی»: ۱. زمینه‌گرایی کالبدی (متعهد به شکل کل از قبل موجود). ۲. زمینه‌گرایی تاریخی (متعهد به میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان). ۳. زمینه‌گرایی اجتماعی-فرهنگی (متعهد به معانی، ارزش‌ها و اهداف مشترک).
سروش گودرزی و همکاران	بررسی شناخت عوامل زمینه‌گرا در کالبد خانه‌ها و بافت کهن سنندج با نگاهی به ویژگی‌های عمارت وکیل‌الملک	به بررسی و تحلیل عوامل زمینه‌گرا در خانه‌های سنتی سنندج می‌پردازند و مهم‌ترین خصوصیت ساختارهای کالبدی قاجار در شهر سنندج را زمینه‌گرایی می‌دانند و در انتها پژوهش راهکارهایی در جهت احیا معماری سنندج ارائه می‌کنند.
حمیدرضا شایان و همکاران	مفاهیم طراحی در زمینه بیگانه (تحلیل منطقه‌گرایی در آثار معماران غیربومی در کشورهای مسلمان حوزه‌ی خلیج‌فارس)	به تحلیل چگونگی مواجه آثار معماران غیربومی با زمینه فرهنگی مثل حوزه خلیج‌فارس می‌پردازد و مهم‌ترین رویکرد این معماران را استعاره‌ای از فرم‌های بومی در قالب فناوری مدرن بیان می‌کند.
مهدی خاک‌زند و سعید بابایی	زمینه‌گرایی در آثار معماران غیر ایرانی در دوره پهلوی اول (مدرسه البرز و ایرانشهر)	به تبیین معیارهای زمینه‌گرایی می‌پردازد و پس از آن به بررسی و مقایسه میزان ارتباط طرح با معیارهای زمینه‌گرایی در دو بنا مدرسه البرز و ایرانشهر می‌پردازد.
کاوه بذرافکن و همکاران	تبیین روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی در معماری ایران (نمونه مطالعاتی: اثرهایی شاخص با دوره‌های زمانی متفاوت از معماری شهر تهران)	به دسته‌بندی معیارهای «زمینه‌گرایی» می‌پردازد و پس از آن به بررسی میزان تأثیرپذیری نمونه‌های موردی از زمینه گذشته و اثبات تمایز بین زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی می‌پردازد و محدوده عملکرد زمینه‌گرایی را در مقیاس همسایگی و محله و منطقه‌گرایی را در مقیاسی بزرگ‌تر و در حد ملی می‌داند.
کاوه بذرافکن و همکاران	بازشناسی نگرش به زمینه در بناهای ساخته شدهٔ میدان مشق تهران در دوره پهلوی اول	به تبیین نسبت مشابهت یا تمایز معماری بناهای دورهٔ پهلوی اول با بناهای سبک بین‌الملل می‌پردازد و همچنین با مقایسه تطبیقی در بین نمونه‌های موردی میزان تأثیرپذیری هرکدام از نمونه‌های موردی نسبت به زمینه را مشخص می‌کند.
هدیه گلشن و مهدی محمودی‌کامل‌آبادی	ملاحظات معماری زمینه‌گرا در خیابان چهارباغ عباسی اصفهان	پس از استخراج مؤلفه‌های زمینه‌گرایی از مطالعات، به تحلیل بناهای شاخص موجود در خیابان چهارباغ عباسی مطابق با فاکتورهای زمینه‌گرایی می‌پردازد تا چگونگی تبعیت بناها از یکدیگر و میزان توجه هرکدام نسبت به زمینه بیان شود.
قادر بایزیدی و همکاران	جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آن‌ها در معماری معاصر	مدلی برای تحلیل دیدگاه‌های منطقه‌گرایی را ارائه می‌دهد و در این راستا به بررسی دیدگاه صاحب‌نظران به‌منظور تدوین مبانی نظری تحقیق

		می‌پردازد و انواع رویکردهای منطقه‌گرایی و مصادیق مربوط به آن را بررسی می‌کند.
یلدا شاه تیموری و حامد مظاهریان	رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی	ارائه دیاگرامی از عواملی که می‌بایست در طراحی ساختارهای جدید موردتوجه قرار گیرند که این عوامل عبارت‌اند از: ۱. کاربری. ۲. موقعیت قرارگیری. ۳. مقیاس. ٤. شکل. ٥. مصالح و جزئیات.

روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر، از نظر ماهیت کلی به‌صورت کیفی و مطالعه موردی است. «پژوهش موردی جست‌وجوی تجربی است که پدیده‌ای معاصر را در متن زندگی واقعی موردبررسی قرار می‌دهد، به‌ویژه زمانی که مرز میان پدیده و زمینه آن کاملاً واضح نباشد» (Yin, 1994: 13). گروت و وانگ برای کاربردی کردن تعریف ین در حوزه تحقیق‌های معماری تعریف زیر را ارائه می‌دهند که پژوهش‌های موردی «جست‌وجوی تجربی است که یک پدیده یا مکانی معین را موردتحقیق قرار دهد» (گروت و وانگ، ۱۳۹۸: ۳۴۶) هدف کلی در هر مطالعه موردی، مشاهده تفضیلی ابعاد «مورد» تحت مطالعه و تفسیر مشاهده‌ها از دیدگاه کل‌گرا است. از این‌رو، مطالعه موردی بیشتر به روش کیفی و با تأکید بر فرآیندها و درک و تفسیر آن‌ها انجام می‌شود (سرمد و همکاران، ۱۳۷٦: ۸۹). مطالعه موردی را بر اساس اهداف می‌توان به سه دسته توضیحی، توصیفی و اکتشافی تقسیم کرد (Yin, 1994: 13). پژوهش حاضر از نوع مطالعه موردی تبیینی است. روش گردآوری اطلاعات در بخش نظری با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک مکتوب به همراه مشاهده میدانی است. در بخش مطالعه موردی بر اساس مؤلفه‌های به‌دست‌آمده در مطالعات نظری، نمونه‌های موردی به روش تطبیقی-مقایسه‌ای و با حضور نگارندگان در محدوده موردنظر، موردبررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند. به‌طورکلی مراحل انجام این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. بیان مفاهیم زمینه، زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی و تبیین مؤلفه‌ها و معیارهای آن‌ها با توجه به تعاریف و پژوهش‌های پیشین. ۲. توصیف و شناخت نمونه‌های موردی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهدات میدانی، اسناد، مدارک و تصاویر قدیمی. ۳. تعیین میزان تأثیرپذیری نمونه‌های موردی از زمینه و نحوه برخورد آن‌ها با زمینه با استفاده از روش تحلیل تطبیقی و جداولی که میزان زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی را مشخص می‌کند (بررسی آثار مذکور از دو جنبه زمینه بصری و زمینه انسانی انجام می‌شود و زمینه محیطی با توجه به گستردگی موضوعات اقلیمی و طبیعی در چهارچوب این تحقیق نمی‌گنجد و مجال دیگری می‌طلبد ولی به‌صورت مختصر سازگاری با اقلیم در معیارهای منطقه‌گرایی بررسی می‌شود). ٤. تحلیل داده‌ها، نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای طراحی برای تداوم معماری زمینه مذکور. روش نتیجه‌گیری از طریق مقایسه تطبیقی است و در بررسی داده‌ها، الگوها و ساختارهای حاکم بر معماری نمونه‌های موردی برگرفته از زمینه مشخص می‌شوند و سپس نقاط اشتراک آن‌ها به‌عنوان راهکارهای طراحی تبیین خواهند شد.

نگاهی به محدوده مطالعاتی و انتخاب نمونه‌های موردی

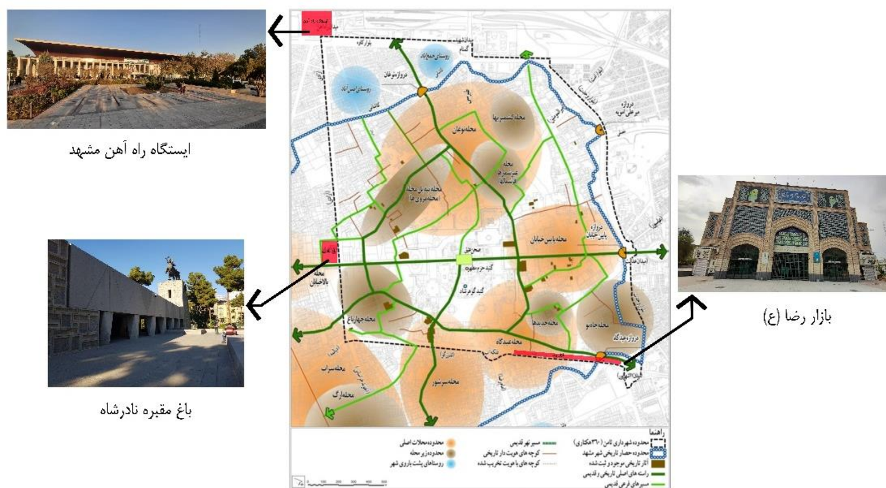
پژوهش پیشرو در شهر مشهد، مرکز استان خراسان رضوی انجام پذیرفته‌است، وجود بارگاه حضرت رضا(ع) امام هشتم شیعیان جهان، اعتبار این شهر را دوچندان نموده‌است و این شهر مقدس مشهدالرضا نامیده شده‌است (رکنی و احمدی، ۱۳۹٦: ٤٦). انتخاب نمونه موردی‌ها بر اساس قرارگیری آن‌ها در محدوده پیرامونی حرم مطهر (منطقه ثامن کنونی) انجام شده است، چراکه در شهر مذهبی مانند مشهد، هسته مرکزی شهر حرم مطهر است و گسترش و توسعه محدوده شهر از حرم مطهر شروع‌شده و به حصارهای شهر ختم می‌شده است (خیرآبادی، ۱۳۷٦: ۹٦). این منطقه (منطقه ثامن) از قدیمی‌ترین مناطق شهرداری شهر مذهبی مشهد است که در مجاورت حرم مطهر امام رضا(ع) قرار گرفته است، به‌طوری‌که حرم امام رضا، بخشی از مساحت آن را تشکیل می‌دهد (رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۰۹). محدوده پیرامونی حرم مطهر (منطقه ثامن) به دلیل ماهیت معنوی و مذهبی، بافت قدیمی و پیشینه تاریخی، درواقع نقطه عطف شهر مشهد محسوب می‌شود. بررسی روند تاریخی گسترش شهر

مشهد تا ۱۳۳۵ ش نشان می‌دهد که این شهر دارای ساختاری سنتی و همراه با گسترش تدریجی پیرامون حرم حضرت رضا[ع] بوده‌است (فرهادی و توانگر، ۱۴۰۰: ۷۲). بافت کالبدی پیرامون حرم در اوایل شروع پهلوی اول و پیش از مداخله جدی در بافت شهری، به‌صورت ارگانیک شکل یافته بود (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۴). در دوره پهلوی، شالوده مدنی و تشکیلات بافت قدیمی و مرکزی شهر متحول و تغییر شکل در نقش ظاهری و درونی آن در قالب مظاهر مدرنیته نمود پیداکرده و به‌تبع آن، رو به گسترش و نوسازی نهاد (مشهدی‌زاده دهاقانی، ۱۳۷۸: ۵۵). به‌طورکلی می‌توان مهم‌ترین اقدامات انجام‌شده در دوران پهلوی دوم به دو مورد مهم اشاره کرد: ۱. نوسازی در مقیاس بزرگ برای توسعه مجموعه حرم با تخریب مراکز تجاری اطراف حرم همچون تخریب و تسطیح بازار قدیم و انتقال بازاریان به بازار رضا. ۲. تلفیق معماری سنتی و مدرن به‌واسطه تکنولوژی و حمایت مالی دولت. نتیجه این اقدامات باعث ساخت بناهای شاخصی مانند بازار رضا، ایستگاه راه‌آهن مشهد و باغ نادری و غیره شد. بر اساس مقاله *شناسایی نقاط با ارزش شهری در مشهد* دو بنای باغ نادری و بازار رضا بنا بر نظرسنجی‌ها جزء ده نقطه با ارزش شهر مشهد شناسایی شده‌اند (رهنما، ۱۳۸۸: ۱۸۳) و بازار رضا در میان اماکن مورد بازدید شهر مشهد بعد از حرم مطهر با ۵۸/٤ درصد بیشترین میزان توزیع جمعیت بازدیدکنندگان را دارد (شرکت خدمات آماری و پژوهشی طوس، ۱۳۸۷: ۱۰). همچنین ایستگاه راه‌آهن مشهد جزء شاخص‌ترین ساختمان‌های متعلق به جریان‌های معماری معاصر شهر مشهد است (خبازی، ۱۳۸۱: ۷۰). از لحاظ بازه زمانی هر سه بنا متعلق به دوران پهلوی دوم هستند، دورانی که با توجه به تغییر حاکمیت و خواست دولت جدید برای مدرنیزاسیون، بناهای بسیاری خصوصاً ساختمان‌های عمومی متعددی در این دوره اجرا شد. سبک‌های مختلف معماری غرب در این دوره بر معماری ایران تأثیر بیشتری گذاشتند. (قبادیان، ۱۳۹۵: ۱۳۸) و معماری ایران از معماری سنتی و گذشته خود فاصله گرفت و جای خود را به معماری نوین ایرانی داد (خاک‌زند و بابایی، ۱۳۹۷: ۱۷۲). به همین سبب تحلیل آثار شاخص مدرن ایرانی-اسلامی در شهری مانند مشهد با محوریت مذهبی می‌تواند راهگشا اکثر مشکلات بناهای امروز معماری پیرامون حرم مطهر باشد.

جدول ۲: بناهای دوره پهلوی دوم بافت پیرامون حرم مطهر (منطقه ثامن) (قبادیان، ۱۳۹۵: ۲۶۶-۲۱۹)

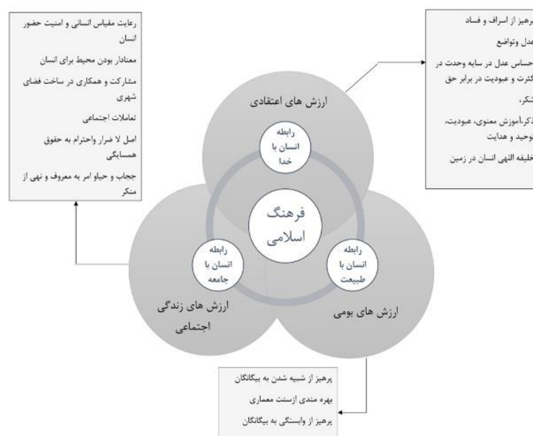
نام بنا	سبک	سال ساخت
بازار رضا[ع]	سنت‌گرایی	۱۳۵۳ش
ایستگاه راه‌آهن مشهد	تلفیقی	۱۳٤۶-۱۳۳۸ش
باغ نادری	نوگرای ایرانی	۱۳۳۸ش

در دوران پهلوی دوم، عمده تغییرات شهرسازی و معماری شهر مشهد مربوط به مرکز شهر یعنی مجموعه حرم می‌شد و بافت ارگانیک داخل محلات و دسترسی‌های فرعی همچنان در شکل و فرم موجود باقی‌مانده بودند (پورجعفر و همکاران،۱۳۹۳: ۹۷-۹٤). در نقشه ۱ موقعیت نمونه‌های موردی (با رنگ قرمز)، دروازه‌های قدیمی و راسته‌های تاریخی مشخص شده است. در ادامه برای تحلیل بهتر نمونه‌های موردی برخی از ویژگی‌های زمینه‌ای شهر مشهد و ارتباط آن‌ها با زمینه‌گرایی در زیر بیان می‌شوند.



نقشه ۱: موقعیت قرارگیری راسته‌های تاریخی، دروازه‌ها و محلات قدیمی (در این نقشه موقعیت نمونه‌های موردی با رنگ قرمز نشان داده‌شده است) (مهرازان، ۱۳۹۶: ۱۸)

فرهنگ: در تعریف فرهنگ آمده است که «مجموعه‌ای از باورها، دانش‌ها، معارف و آداب و رسوم و ارزش‌هایی است که جامعه‌ای بر اساس اعتقادات خود آن را تکامل بخشیده و بر اساس آن زندگی می‌کند» (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۲). وترل، از اساتید برجسته برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی، یکی از دلایل بنیادی ارتباط بین معماری و زمینه را توجه به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی بیان می‌کند که این ارزش‌ها در قالب عناصر کالبدی و به‌صورت فرمال بروز می‌کنند (خاک‌زند و بابایی، ۱۳۹۷: ۱۷۵). از طرفی دیگر زمینه‌گرایان فرهنگی-اجتماعی، اجزای شکل شهر را به واژه‌ها و شهر را به متن آن تشبیه کرده‌اند و ساختار زبان را با ساختار شهر تطبیق می‌دهند؛ در این دیدگاه برای دریافت معنا، باید به فرهنگ زمینه موردنظر مراجعه کرد (تولائی، ۱۳۸۰: ۴۳-۳٤). با توجه به زمینه موردنظر یعنی کلان‌شهر مذهبی مشهد که بزرگ‌ترین شهر شیعه‌نشین آسیای غربی، دومین کلان‌شهر مذهبی جهان و بزرگ‌ترین مرکز جذب توریسم مذهبی در شمال شرقی ایران است (پوراحمد و پیله‌ور، ۱۳۸۳: ۱۱۲) دین اسلام اساس نظام فرهنگی این شهر را تشکیل می‌دهد و یکی از عناصر اصلی سازنده هویت این شهر است که باید در عرصه‌های شهرسازی و معماری آن ظهور یابد. از این‌رو، برای بررسی کالبدی آثار مذکور باید به شاخصه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی در مطالعات پیشین رجوع کرد. در این راستا، نقی‌زاده و همکارانش طی تحقیقی فهرستی از شاخصه‌های فرهنگ اسلامی مؤثر در شکل‌دهی به نماهای شهری را در سه دسته ارزش‌های اعتقادی، ارزش‌های زندگی اجتماعی و ارزش‌های بومی ارائه داده‌اند (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ٦١-٧٤) که در پژوهش حاضر برای بررسی کالبدی نمونه‌های موردی بر اساس زمینه انسانی (ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی) از این شاخصه‌ها استفاده می‌شود (جدول ۲).



نمودار ۱: شاخصه‌های فرهنگ اسلامی (طلایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۲؛ نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۱)

سبک معماری بومی: با توجه به شاخصه‌های فرهنگ اسلامی بخشی از فرهنگ یک شهر را معماری بومی آن تشکیل می‌دهد. با توجه به قرارگیری مجموعه حرم مطهر در محدوده مطالعاتی، معماری اسلامی به‌عنوان معماری بومی منطقه به‌حساب می‌آید و در مقیاس وسیع‌تر می‌توان به سایر شیوه‌های معماری ایرانی مانند پارسی، پارتی، خراسانی و غیره اشاره کرد.

اقلیم: مطالعه درباره سازگاری اقلیم یک بنا دارای گستردگی و ابعاد بسیاری است که بررسی آن در چهارچوب این پژوهش نمی‌گنجد؛ در این پژوهش منظور از بررسی سازگاری با اقلیم در مبحث منطقه‌گرایی، شکل‌گیری خاص بنا یا استفاده از عناصر معماری بومی برای آسایش اقلیمی در آن بنا است، زیرا هدف مقاله بررسی رویکردهای طراحی بناهای مذکور نسبت به زمینه است؛ از این‌رو فقط به چند عامل کلی اقلیمی منطقه اشاره می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. جهت باد غالب در فصول سرد سال از جهت شمال غربی و جهت غرب-شرق است. ۲. مناسب‌ترین جهت دریافت انرژی خورشید به سمت جنوب شرقی است. ۳. اقلیم این شهر از ٤٠ سال گذشته تاکنون نیمه گرم و خشک است و حداکثر دمای سالانه در تیرماه ٤٣/٥ درجه سانتی‌گراد و حداقل دمای سالانه در دی‌ماه به ١٥- درجه سانتی‌گراد می‌رسد (اشجعی و همکاران، ١٣٩٣: ١٢٦-١٢٤).

مبانی نظری پژوهش

زمینه: در لغت به معنای «بخش‌هایی از یک گفتار است که قبل یا بعد از یک کلمه، عبارت یا جمله می‌آید و معنا یا مضمون آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یا کمک می‌کند معنی آن درک شود» (نقوی و مظاهریان، ١٣٩٨: ٧٠). مطابق تعاریف، منظور از زمینه در معماری همان بستر و محیطی است که معماری در آن شکل‌گرفته و شکل و محتوا را باهم در بر می‌گیرد (همان، ٧٠). در بستر شهر به‌گونه‌ای قیاسی، می‌توان زمینه را اتصال و هم‌نشینی میان بناها خواند (مرزبان و معروف، ١٣٨٩: ٧٨). بنا به نظر استیون هال معماری توجه ویژه‌ای روی زمینه را دارد، زیرا زمینه می‌تواند مجموعه‌ای از پیشنهادهای مناسب را به‌عنوان مفاهیمی برای طراحی معماری فراهم آورد. زمینه تنها بستر ساختمانی نیست بلکه مفاهیم طراحی را نیز شامل می‌شود (خاک‌زند و بابایی، ١٣٩٥: ١٧٤). منطقه‌گرایی و زمینه‌گرایی عمدتاً به‌عنوان واکنش‌های مستقیم نسبت به زمینه مطرح می‌شوند و این دو رهیافت طراحی معماری، در دوران پسامدرن معماری نظریه‌مند شدند و بر اساس رویکردهای معماری گذشته و با استفاده از منابع، الگوها و دستاوردهای معماری گذشتهٔ هر سرزمین شکل گرفتند (بذرافکن و همکاران، ١٣٩٦الف: ٦). منطقه‌گرایی به‌عنوان روشی که دیدگاه آن به زمینه به‌صورت منطقه‌ای و ملی است و زمینه‌گرایی به‌عنوان عاملی واسط بین معماری و زمینه، عمدتاً مطرح می‌شوند (بذرافکن و همکاران، ١٣٩٦ب: ٣٢٩).

زمینه‌گرایی: در زبان لاتین از فعل کانتکسچر، گرفته شده است که به معنای «ترکیب شدن» است (Hufford, 1995: 528-549)و به اتصال، اتصال یافتن و اتصالات بین اجزا داخلی و نوعی شباهت در اتصال اجزای ساختمان‌ها، اشاره دارد (شاهی‌زارع و همکاران، ١٣٩٩: ١٥٤). زمینه‌گرایی یکی از رویکردهای کلی در برنامه‌ریزی شهری است که به دنبال رویدادهای تاریخی است. با این رویکرد، اجزا و فرم يك شهر به‌تنهایی ارزیابی نمی‌شوند، بلکه با محیط ساخته‌شده پیرامونی شناخته می‌شود. بنابراین زمینه‌گرایی مانند استخوان‌بندی بین معماری و شهر در يك بستر عمل می‌کند و زمینه مکانی است که ارتباط بین معماری و شهر در آن اتفاق می‌افتد (تولائی، ١٣٨٠: ٣٦-٣٥). به نقل از میرمقتدایی رویکرد زمینه‌گرایی سعی دارد به‌منظور ارتقای هویت کالبدی منطقه‌ای، راه‌حل کاربردی ارائه دهد (میرمقتدایی، ١٣٨٣: ٣٥). در حقیقت زمینه‌گرایی دیدگاهی است که به ویژگی‌هاي خاص یک مکان و به‌کارگیری آن‌ها در طراحی معاصر، توجه دارد. از این‌رو، درعین‌حال که به‌گونه‌ای ضمنی به تمایز مکانی نظر دارد، به‌صراحت، تداوم ارزش‌هاي کالبدي مکان با زمینه موجود را خواستار است. بااین‌حال، ایجاد ارزش‌های جدید (تحول) را نفی نمی‌کند، از سوي دیگر، ازآنجاکه به ارتباط میان شکل-زمینه یا توده-فضا نظر داشته و کل حاصل از این را ارزشمند می‌داند، به‌طور ضمنی به اصل وحدت-کثرت نیز اشاره دارد. رویکرد اصلی زمینه‌گرایی، درک ارزش‌های زمینه و تداوم آن‌ها در آینده است (شاهی‌زارع و همکاران، ١٣٩٩: ١٥٤). هارت به طور خلاصه اینگونه بیان می‌کند که «زمینه‌گرایی تلاشی برای

رسیدن به معماری و شهرسازی برگرفته از بستر طراحی است، جایی که در آن زمینه به هر دو بعد مصنوع و فرهنگی فرم معنا می‌بخشد» (بذرافکن و همکاران، ۱۳۹۶ب، ۳۳۱). زمینه‌گرایان معتقدند، اجزای شهر زیر پوشش نیروها و ویژگی‌های درونی خود نمی‌باشند، بلکه به محیط و مجموعة پیرامون آن وابسته هستند (Stokols, 1987: 253-295). زمینه‌گرایی ابتدا صرفاً ابعاد کالبدی را در نظر داشت، اما در سیر تکاملی خود زمینه‌های انسانگرایانه را نیز دربرگرفت، نگاه انسان‌گرایانه به زمینه، ابعاد تاریخی و فرهنگی-اجتماعی را پیوند می‌زند (بحریه و همکاران، ۱۳۹۹: ۸). به نقل از بونتا «ساختمان‌ها نباید صرفاً با ساختمان‌های مجاور در طول خیابان خود ارتباط زمینه‌اي داشته باشند، بلکه باید شامل ارتباط زمینه‌اي گسترده‌تري به لحاظ بصري و فرهنگي باشند. به‌عبارت‌دیگر ساختمان‌ها باید در مقیاس گسترده‌اي زمینه‌گرا باشند» (شاهی‌زارع و همکاران، ۱۳۹۹: ۱٥٤). درواقع، زمینه علاوه بر سیما، شکل و کالبد، عوامل معنوی تشکیل‌دهندة زمینة عمومی شهر (از قبیل: دین، فرهنگ، جامعه، طبیعت، محیط، تاریخ و غیره) را که خود به‌تنهایی زمینه‌ای هستند، نیز موردتوجه قرار می‌دهد (نقی‌زاده، ۱۳۸٦: ٤۳٥). از این‌رو، به‌جای واژه فضا، مفهوم مکان را جایگزین می‌کند (تولائی، ۱۳۸۰: ٤۲-٤۱). بنابراین معماری به انسان کمك می‌کرد که خود را با روح مکان یکی بداند و به او حسی از تعلق و ایمنی می‌داد (خاک‌زند و بابایی، ۱۳۹۷: ۱۷٥).

کپن در تبیین مقولات معماری، از موضوع زمینه دسته‌بندی ارائه می‌کند که می‌توان آن را به‌صورت سه بخش تنظیم کرد: زمینة فرمی که توجه به تصاویر و مناظر شهري و غیرشهری در رابطه با محل و محیط اطراف ساختمان دارد و شامل داده‌های وابسته به فاکتورهاي فیزیکی ساختمان، داده‌هاي اقلیمی و زیست‌محیطی، ویژگی‌هاي محلی و خصوصیات توپوگرافی است؛ زمینه بصری که بر داده‌هاي بصري که عموماً بر هماهنگی، هارمونی و وحدت فضایی توجه دارد، شامل داده‌هاي وابسته به‌اندازه، مقیاس، ریتم، توده، رنگ‌بندی و نوع مصالح مصرفی تأکید دارد و زمینه انسانی که شامل سنن فرهنگی از قبیل اطلاعات درباره تزئینات و دکوراسیون، اجتماع و عوامل مؤثر در بازسازي حس نوستالژي و انتزاع فضا در موضوع انسانی است (capon, 1999: 186). همچنین تولائی زمینه گرایی را به چهار دسته زمینه‌گرایی کالبدی (ارزیابی اجزا شهر در محیط وسیع یا ارتباط اثر معماری با نظام بزرگ‌تر شهری)، زمینه‌گرایی تاریخی (ارتباط یک جامعه با تاریخ و گذشته خود)، زمینه‌گرایی اجتماعی-فرهنگی (مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌هاي نمادي مشترک معنا دهنده به محیط) و زمینه‌گرایی طبیعی (آگاهی به امکانات زیست‌محیطی و سازگاری با اقلیم) تقسیم می‌کند (تولائی، ۱۳۸۰: ٤۱-۳٥). به گفته ونچوری «هر بنایی باید بر اساس زمینه فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، کالبدی و شرایط خاص آن، طراحی و اجرا شود» (قبادیان، ۱۳۸٥: ٤۸). با مطالعه تعاریف، به‌طورکلی می‌توان زمینه را به سه دسته زمینه انسانی، زمینه بصری و زمینه محیطی (زمینه فرمی) تقسیم نمود (نمودار ۲) که هریک دارای مؤلفه‌هایی است که در جدول ۲ به آن پرداخته می‌شود.



نمودار ۲: دسته‌بندی زمینه گرایی بر اساس تعاریف (مأخذ: نگارندگان)

زمینه غیرانسانی (زمینه بصری): برای تعیین زیر مؤلفه‌های زمینه بصری می‌توان به مطالعات برولین در کتاب *معماری زمینه گرا: سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم* اشاره کرد. او فهرستی از ویژگی‌های بالقوه و مهم در تناسبات برای بررسی علل ناسازگاری و سازگاری و یا نحوه ارتقای سازگاری طرح با زمینه ارائه داد؛ فهرست ارزیابی او به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. ویژگی‌های عمومی مانند: عقب‌نشینی، موقعیت و فاصله ساختمان نسبت به پیرامونش، ارتفاع

(خط آسمان)، جهت‌گیری نما، مصالح و رنگ، مقیاس، تناسبات، حالت و جزئیات نما (در و پنجره و غیره). ۲. ویژگی‌های سبک تاریخی و غیرتاریخی: بررسی عناصر خرد مقیاس که همه سبک‌ها با آن‌ها تعریف می‌شوند به لحاظ شباهت و تفاوت با زمینه. همچنین او معتقد است که یک ساختمان برای تناسب با زمینه و تقویت وحدت بصری زمینه، نیازی به تقلید دقیق شکل و فرم ساختمان‌های مجاور ندارد، بلکه می‌بایستی ویژگی‌های مشترک و اساسی و معینی داشته باشد (برولین، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱٤۸). همچنین بنتلی و همکارانش فهرستی از شاخص‌ها که همان عناصر جداره‌ای هستند را در رابطه با ارتباط بین ساختمان‌های مجاور ارائه داده‌اند و تکرار آن‌ها در جداره‌های ساختمانی را موجب خوانایی در فرم می‌دانند این عناصر عبارت‌اند از: وزن‌های (ریتم) عمودی و افقی، خط آسمان، جزئیات (مصالح، رنگ، الگو و در، پنجره و غیره)، اجزای عناصر همکف. (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۸۸). آنتونی تاگنات، نوآوری در زمینه را با رعایت قواعد و عناصری امکان‌پذیر می‌داند که این عناصر عبارت‌اند از: ۱. سازگاری مقیاس عناصر با زمینه. ۲). پیوستگی نما به‌منظور ایجاد رابطه میان بناها. ۳. ارتفاع طبقات. ۴. انسجام تک بناها. ۵. ردیفی شدن بارشوها. ٦. انتخابی کاربردی و ترکیبی از مصالح. ۷. سیمای بام. ۸. نسج و رنگ بناها. ۹. تنوع محلی. ۱۰. آب و هوا و گیاهان (گلشن و محمودی کامل‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۷).

در رابطه با بررسی زمینه‌گرایی تاریخی، ویژگی‌های تاریخی در نظر گرفته می‌شود و علاوه بر توجه به مکان و جوهره تاریخی آن به سنت احترام گذاشته می‌شود. (تولائی، ۱۳۸۰: ۴۳-۳۴). پاتریک گدس جنبه تاریخی زمینه را مؤثر می‌داند و شکل‌گیری مناسب کالبدی را منوط به تبعیت از برداشت‌های تاریخی می‌داند (Benn, 1949: 66). زمینه تاریخی شامل مواردی مانند بهره‌گیری از اصول معماری گذشته متناسب با منطقه، ویژگی‌های منحصربه‌فرد و خاطرات جمعی است (شاهی‌زارع و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۸). «زمینه تاریخی» به دلیل دنیای از قبل موجود ارزش‌ها و خاطره‌ها اهمیت می‌یابد. «خاطره بصری» قادر است در طول فضا و زمان پیوندهایی ایجاد کند (تولائی، ۱۳۸۰: ۳۸).

زمینه انسانی: برای بررسی زمینه انسانی به لحاظ فرهنگی-اجتماعی می‌توان به نظریات راپاپورت رجوع کرد راپاپورت معتقد است که سازماندهی محیط مصنوع، سازماندهی معنی نیز هست که در آن ویژگی‌هاي کالبدي نظیر مصالح، رنگ، بلندي، اندازه و مقیاس، خاصیت نمادین دارند. عناصر کالبدي در محیط معناي متفاوتی دارند و این معانی به‌طور نظام‌یافته‌ای با فرهنگ ارتباط دارند. برای اینکه محیطی از نظر معنایی مناسب باشد لازم است با ارزش‌ها، باورها و نظام‌های نمادی مشترک مردم که با آن‌ها به محیط خود معنی می‌دهند، هماهنگ باشد. دریافت این معنی مشترک تنها با رجوع به فرهنگ امکان‌پذیر است؛ این دیدگاهی است که زمینه‌گرایان آن را معطوف به فرهنگ می‌دانند (Rapaport, 1977: 9). در ادامه معیارهای فرهنگی-اجتماعی زمینه در جدول ٤ ارائه می‌شوند. این معیارها برگرفته از مهم‌ترین ارزش‌ها و شاخصه‌های اعتقادی-اجتماعی فرهنگ ایرانی-اسلامی می‌باشند.

جدول ۲: دسته‌بندی مؤلفه‌های زمینه‌گرایی (مأخذ: نگارندگان)

	معیارها		توضیحات
زمینه بصری (غیرانسانی)	جنبه‌های کالبدی	ارتفاع (خط آسمان)	ارتفاع‌ثابت بین خط آسمان ساختمان‌ها (بذرافکن و همکاران، ۱۳۹٦ب: ۳۳۵).
		توده و حجم	چگونگی ترکیب احجام ساختمانی (برولین، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱٤۸).
		موقعیت (همجواری‌ها)	محل قرارگیری ساختمان نسبت به سایت آن و ارتباط آن با خیابان‌ها، فضاها و ساختمان‌های دیگر (بذرافکن و همکاران، ۱۳۹٦ب: ۳۳۵). فاصله مناسب از ساختمان‌های مجاور (برولین، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱٤۸).
		جهت‌گیری	در نظر گرفتن احترام در قرار دادن قسمت ورودی نسبت به ساختمان‌های اطراف (بذرافکن و همکاران، ۱۳۹٦ب، ۳۳۵).

	ارتباط با پیرامون (بصری)	ریتم (انسجام تک بناها)		سازماندهی و اندازه عناصری از ساختمان که معمولاً در نما تکرار می‌شوند (بذرافکن و همکاران، ۱۳۹۶ب: ۳۳۵). وزن‌های (ریتم) عمودی و افقی (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۸۸).
		مصالح و رنگ		ساختمایه‌ها و رنگ‌ها به‌عنوان بیانیه‌هایی برای نمایش سنت‌های بومی ساختمان به کار می‌روند (بذرافکن و همکاران، ۱۳۹۶ب، ۳۳۵). انتخاب کاربردی و ترکیبی از مصالح (گلشن و محمودی کامل‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۷).
		مقیاس		اندازه و تناسب ساختمان نسبت به سوژه‌های اطراف آن (بذرافکن و همکاران، ۱۳۹۶ب، ۳۳۵). سازگاری مقیاس عناصر با زمینه (گلشن و محمودی کامل‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۷).
		عقب‌نشینی		عقب‌نشینی بنا از خیابان برای احترام (بذرافکن و همکاران، ۱۳۹۶ب: ۳۳۵)
		حالت و جزئیات نما		زیبایی نیاز به هماهنگی با محیط (capon, 1999: 186) .پالایش جزئیات و تزئینات برای ایجاد ارتباط بین ساختمان‌های جدید و قدیم به لحاظ سبکی (برولین، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۴۸). پیوستگی نما به‌منظور ایجاد رابطه میان بناها (گلشن و محمودی کامل‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۷).
		تناسبات		اندازه و تناسبات اجزای نما (برولین، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۴۸).
	تاریخی			جاری بودن ارزش‌ها و کهن‌الگوها در قالب فرم (خاک‌زند و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۷-۱۷۶).
زمینه انسانی	فرهنگی- اجتماعی	ارزش‌های اعتقادی - اجتماعی	عدل و تواضع	عدم استفاده از نماسازی برای نشان دادن تضادهای اجتماعی، تفاخر و خودنمایی (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۱).
			تعامل و تعاون	پرهیز از ایجاد سطوح صاف و رها شده در نماها و استفاده از آن در جهت ایجاد فضایی برای برقراری تعاملات اجتماعی (همان).
			ذکر، آموزش معنوی، عبودیت، توحید و هدایت	استفاده از کتیبه‌ها، خط، تزیینات هندسی و نقوش اسلامی در آموزش معنوی انسان (همان).
			پرهیز از اسراف و فساد	کاربرد مصالح بومی و رعایت ابعاد و اندازه پنجره‌ها در جهت کاهش مصرف انرژی (همان).
			حفظ هویت جمعی با حفظ حقوق فردی	به کار رفتن نشانه‌های رنگ تعلق ساکنان از طریق به کار بردن بافت‌های متنوع در به کار بردن مصالح، استفاده از ارزش‌های رنگی یکسان (همان).
			احساس عدل در سایه وحدت در کثرت و عبودیت در برابر حق	وحدت شکلی باوجود هماهنگی در میان نماهای شهری و تنوع خاصی در نما و توفق بناهای مذهبی در خط آسمان شهر (همان).
			احترام به انسان: رعایت مقیاس	ایجاد جلوخان یا میدانچه در جلو بناهای مرتفع برای عدم احساس حقارت انسان، تناسب اجزا و تزئینات بنا با فاصله انسان نسبت به آن (همان).

			انسانی و امنیت حضور انسان	
			احترام به حقوق همسایگی	جلوگیری از ورود به حریم دیگران از طریق بصری و کالبدی (همان).
			احترام به سنت مهمان‌نوازی	ایجاد جلوخان در ورودی بناها برای نشستن و استراحت (همان).

منطقه‌گرایی: مفهوم منطقه‌گرایی به زبان ساده این است که در هر عمارت و ساختمانی کدام خصوصیات منطقه‌ای به‌کاررفته است. (سراج‌الدین، ۱۳۷۶: ۵۷). منطقه‌گرایی اولین بار در اوایل ۱۹۲۵م توسط مامفورد به کار رفت، اما نظریات به‌کاررفته پیرامون این لفظ و معانی آن چیز تازه‌ای نیست. به عنوان مثال واگنر نزدیک به پایان قرن نوزدهم نوشت: «معماران در کشورهای مختلف فرم‌ها را با تنوع زیادی در بیان حس مکان به کار بردند. از عناصر ملّی و بومی در هنر در روندی طبیعی بهره گرفتند. این اختلافات متأثر از ویژگی‌های اقلیمی و [بومی]اند و ما می‌توانیم فناوری کنونی را به آن بیفزاییم، روندی که مطابق شکل‌گیری معماری گذشته است» (Capon,1999: 230). وظیفه منطقه‌گرایی تجدیدنظر درباره معماری، با توجه به مفهوم منطقه است. هدف منطقه‌گرایي، حفظ تنوع و تفاوت در عین سود بردن از مزایای جهاني است (Tzonis, 2003: 20) منطقه‌گرایی به فرهنگ محلی، آب و هوا و در حقیقت به فناوری احترام می‌گذارد (Ozkan, 1985: 8). منطقه‌گرایی به دنبال معنی دادن و محتوا بخشیدن تحت شرایط خاص محلی است (Ibd: 12). در بطن این جنبش، روش‌های ساختمانی محلی و متعارف با هدف تولید انواع بیشتر فرم، فهم و ادراک بهتر، بازگشت دقیق‌تر به سنّت و برقراری تأثیر حسی قوی استفاده شده است (لامپونیانی، ۱۳۸۶: ۲۲۸). در این جنبش، روش‌های ساختمانی محلی با اهدافی نظیر تولید انواع فرم، فهم و ادراک بهتر محیط، برقراری تأثیر حسی قوی و بازگشت به سنت استفاده شده است. در منطقه‌گرایی، تنها از جنبة زیبایی‌شناسی به مصالح و تکنیک‌های ساخت محلی توجه نمی‌شود، بلکه به این دلیل که سنت محلی، اغلب مبتنی بر راه‌حل تجربه و آزمون و خطا است می‌تواند بسیار موردتوجه قرار بگیرد (یورماکا، ۱۳۹۱: ۱۱۶). ویلیام کرتیس منطقه‌گرایی را در دو نوع منطقه‌گرایی اصیل و غیر اصیل دسته‌بندی می‌کند، او منطقه‌گرایی اصیل را در توجه به مکان، فناوری، ترکیب آموزه‌های مدرن با سنت محلی می‌داند که به دنبال یافتن پاسخ‌های منحصربه‌فرد در مکان‌ها، فرهنگ‌ها و اقلیم‌های خاص است. از نظر کرتیس منطقه‌گرایی اصیل، یک حرکت جمع‌آوری حالت (صفات یا ویژگی‌های محلی) است که تکثیر فرمول‌های بین‌المللی را رد می‌کند و به دنبال تداوم سنت‌های محلی است و منطقه‌گرایی غیر اصیل (جعلی)، تقلید از جنبه‌های ملی و الحاقاتی تاریخی روی پوسته مدرن است (Curtis, 1985: 73). در منطقه‌گرایی، معمار تلاش می‌کند که تا خود را با ویژگی‌هایی که تابعی از ویژگی‌های منطقه‌ای یا ملی استخراج‌شده محیط اطراف پروژه است، منطبق کند (بذرافکن و همکاران، ۱۳۹۶ الف: ۷). درمجموع، منطقه‌گرایی نگرشی نسبت به طراحی است که تلاش می‌کند از طریق معرفی فن‌آوری‌های مناسب تحول مثبت ایجاد کند و استراتژی‌های طراحی موفقیت‌آمیزی که از لحاظ فرهنگی در یک منطقه جاسازی شده‌اند را پایدار و چشمگیر سازد به‌طوری‌که با ارزش‌ها، آداب و رسوم و نیازهای ساکنانش سخن بگوید (Heath, 2009: 14)

جدول ٤: دسته‌بندی معیارهای منطقه‌گرایی (مأخذ: نگارندگان)

مؤلفه‌ها	توضیحات
مصالح	استفاده از مصالح بومی، علاوه بر آنکه در چارچوب ویژگی‌های فنی و محیطی صورت می‌گیرد، بر مفاهیم خاص منطقه‌ای نظیر هویت مکانی و تعلق بنا به زمینه اشاره می‌کند. (شایان و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۳).
ساخت بومی	تکنولوژی ساخت بناهای گذشته ایران که بر اساس مصالح موجود به وجود آمده است مانند تکنولوژی ساخت گنبد، تاق و غیره (بذرافکن و همکاران، ۱۳۹۶ب، ۳۳۵). از نظر فرامپتون توجه به فن ساخت روشی

	مهم برای مقاومت درباره همسان‌سازی محیط مصنوع است (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲:۱۳). ویژگی‌های بیانگر تکنولوژی معماری از دو منظر قابل‌بررسی است: یکی برداشت از الگوهای ساخت و ساز کهن و توجه به فناوری‌های بومی ساختمان‌سازی و دیگری اشاعه‌ی تکنولوژی مدرن در قالبی سنتی (شایان و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۲).
سازگاری با اقلیم	شکل‌گیری فرمی بنا بر اساس شرایط خاص اقلیمی هر منطقه (بذرافکن و همکاران، ۱۳۹۶ب، ۳۳۵). هماهنگی با شرایط اقلیمی با بهره‌گیری از فناوری‌های امروزی (شایان و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۲).
ویژگی‌های مکانی	توجه به ویژگی‌های مکانی و بخشیدن حال و هوا به معماری و تقویت حس مکان (شولتز،۱۳۸۲، ۱٤). منطقه‌گرايي، معنايي فراتر از توجه کالبدی به ویژگی‌های بارز مکانی دارد (Lefaivre,2003:39). (با توجه به تعاریف مهم‌ترین ویژگی مکانی منطقه، حضور حرم مطهر رضوی و ماهیت مذهبی شهر مشهد است).
فرم و کهن‌الگوهای معماری	استفاده از کهن‌الگوهای معماری که بر اساس شرایط اقلیمی و تکنولوژی ساخت در گذشته معماری ایران تکرار شده‌اند (بذرافکن و همکاران، ۱۳۹۶ب، ۳۳۵). رویکرد منطقه‌گرایی مدرن، به استفاده از عناصر انتزاعی معماری گذشته (مانند توده و فضا، تناسبات، حس فضا، استفاده از نور و غیره و تفسیری از اصول ساختاری) به‌منظور دست‌یابی به فرم ساختمان تأکید می‌کند (Ozkan, 1985:13).

یافته‌ها

بازار رضا

مجموعه بازار رضا در زمان پهلوی دوم در حدفاصل دو خیابان به عرض ۳۰ متر و طول ۸۰۰ متر برای جبران کمبود مغازه‌های اطراف حرم رضوی که در طرح گسترش و توسعه حرم تخریب شده بودند، احداث شد. بازار رضا با فاصله کم در جنوب شرقی اماکن متبرکه و از ضلع شرقی میدان بیت‌المقدس تا میدان هفده شهریور کشیده شده است (قصابیان، ۱۳۸۹: ۱۰۵). ساخت بازار رضا نتیجه فعالیت‌های شهرسازی است که از دوره پهلوی اول آغاز شده بود و در دوره پهلوی دوم با شتاب بیشتری نسبت به قبل تداوم یافت. ازجمله پروژه‌های بزرگ شهری که در راستای تخریب بافت سنتی در این دوره صورت گرفت، طرح توسعه حریم حضرت رضا در مشهد بود (قبادیان، ۱۳۹۵: ۲۲۰). با تخریب اطراف حرم، بسیاری از آثار با ارزش مذهبی و تاریخی این شهر از بین رفت. درنتیجه، شهر مشهد بخشی از هویت خود را از دست داد. ازجمله بناهای مهم که بخش اعظم آن تخریب شد می‌توان به بازار قدیم شهر اشاره کرد که به‌جز راسته کوتاه سرشور و چند راسته معابر دیگر، تقریباً چیزی از بازار قدیم شهر بر جای نمانده است (همان: ۲۲۱) و به‌منظور واگذاری زمین معوض به مغازه‌داران و مالکینی که زمین آن‌ها در طرح قرار داشت، در ۱۳۵۳ش، طراحی و ساخت بازار رضا توسط آرشیتکت معروف مهندس داریوش بوربور آغاز شد.

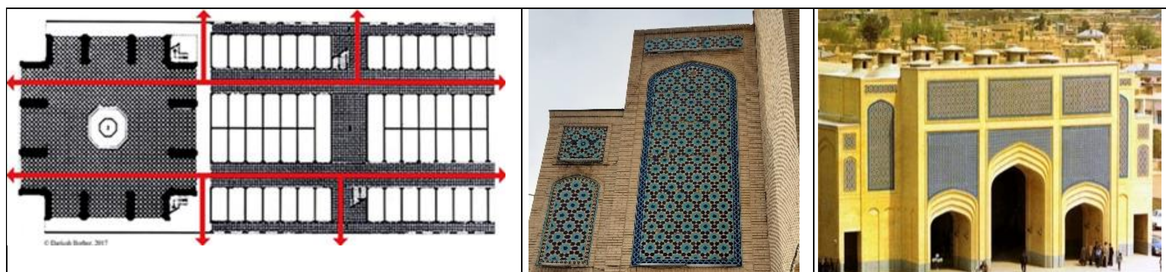





تصویر ۱: به ترتیب از راست به چپ: موقعیت بازار رضا نسبت به حرم (بعد از طرح نوسازی) (بی‌نام، ۱۳۵٦: ۱٦۳). موقعیت بازار رضا در بافت شهری ۱۳۵۷ش (کیوانی و رفیعی نیشابوری، ۱۳۹٦: ۱٤). موقعیت بازار رضا نسبت به حرم مطهر در ۱۳۹۸ش (مآخذ: URL 1)

ساختمان بازار رضا متشکل از شش راسته‌بازار با دو دالان موازی و هفت چهارسوق (هشتی ورودی هر بازار) است. مجموعه بازار رضا، بازار مدرنی است که با الهام از بازارهای قدیمی ساخته‌شده است؛ فرم برونگرا بازار و استفاده از وید در فضای داخلی راسته‌های بازار از ویژگی‌هایی است که این مجموعه را در چارچوب بناهای مدرن قرار می‌دهد اما از نظر شکل و آنچه دیده می‌شود این بنا مطابق با الگوهای تاریخی طراحی شده است. پلان و نمای مجموعه کاملاً متقارن است و دارای هندسه و طرح ساده‌ای است، بدنه ساختمان تماماً آجری است و با تاق‌های جناغی، رواق‌ها، نقوش

آجرکاری و فخرمدین پوشیده شده است نمای ورودی اصلی ساختمان با کاشی‌های لعاب‌دار ترکیب شده است و از نقوش گره‌چینی با ترکیب رنگ لاجوردی، سرمه‌ای، آبی و زرد برای طرح روی کاشی استفاده‌شده است؛ تمام ویژگی‌های ذکرشده ازجمله نمادهای (شیوه اصفهانی) معماری اسلامی است که با تغییرات جزئی تحت تأثیر معماری مجموعه حرم مطهر رضوی به‌عنوان معماری زمینه در بازار رضا استفاده شده است.



تصویر ۲: از راست به چپ: نمای ورودی اصلی بازار رضا در ۱۳۵۵ش (مأخذ: آرشیو داریوش بوربور). کاشی‌کاری‌های نمای اصلی (مأخذ: نگارندگان). پلان قسمتی از طبقه همکف مجموعه بازار رضا که فضای چهارسوق‌ها و راسته‌بازار در آن مشخص شده است (مسیرهای حرکتی با رنگ قرمز نمایش داده‌شده‌اند) (مأخذ: آرشیو داریوش بوربور)



تصویر ۳: از راست به چپ: نمایی از چهارسوق در ۱۳۵۵ ش (با استفاده از وید در فضای داخلی چهارسوق‌ها و راسته‌های بازار سعی شده تا تصویری مدرن از بازارهای سنتی ارائه شود) (مآخذ: آرشیو داریوش بوربور). نمایی از طبقه اول راسته بازار در ۱۳۵۵ش (مآخذ: آرشیو داریوش بوربور). نمایی از جداره‌های بازار در ۱۳۵۵ ش (مآخذ: آرشیو داریوش بوربور).

در زمینه‌گرایی، توجه به سبک‌های مختلف معماری می‌تواند با ارزیابی آگاهانه و دقیق علائم بصری زمینه و سازگاری و پاسخ‌دهی به عوامل محیطی صورت گیرد (خاک‌زند و بابایی، ۱۳۹۷: ۱۸۰). با توجه به بررسی عناصر و علائم بصری بازار رضا علاوه بر ویژگی‌های ذکرشده، در فرم مجموعه بازار اشاراتی به معماری بومی منطقه یعنی شیوه خراسانی وجود دارد؛ تاق گهواره‌ای راسته‌بازار و گنبدهای کلنبو چهارسوق‌ها برداشتی از تاق و گنبدهای مساجد شیوه خراسانی (مسجد تاریخانه دامغان) است. همچنین استفاده از مصالح بومی مانند آجر از ویژگی‌هایی است که این بنا را در چارچوب معماری بومی منطقه قرار می‌دهد.



تصویر ٤: از راست به چپ: عکس هوایی از ورودی بازار رضا، با توجه به تصویر مصالح بومی منطقه آجر است (تشابه عناصر معماری بازار رضا با مسجد تاریخانه) (کیوانی و رفیعی نیشابوری، ۱۳۹۶: ۱۰). مسجد تاریخانه دامغان (مأخذ: نگارندگان).

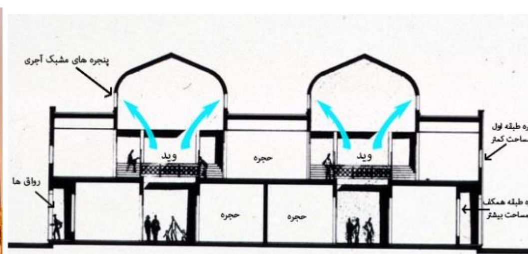
از دیگر عواملی که در شکل‌گیری معماری بازار رضا نقش داشته، پیشینه سایت است. با توجه به نقشه ۱، در گذشته یکی از مهم‌ترین دروازه‌های شهر و راسته‌بازار عیدگاه در محل قرارگیری ورودی اصلی بازار در میدان ۱۷ شهریور کنونی قرار

داشته است؛ دروازه عیدگاه جزء شش دروازه اصلی و قدیمی شهر به‌حساب می‌آمده است (نجیب‌کازرکار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷). به همین دلیل فرم خطی بازار رضا مطابق با نقشه قدیم از میدان ۱۷ شهریور تا میدان بیت‌المقدس (محل راسته تاریخی عیدگاه) کشیده شده است. همچنین نمای ورودی اصلی بازار شباهت‌هایی به معماری ایرانی دروازه‌های شهری دارد که به علت آن به تاریخچه مکان برمی‌گردد. نمای متقارن و پلکانی، تعدد ورودی‌ها و ارتفاع بلند سردر آن، بیانی انتزاعی از فرم دروازه‌های شهری است.




تصویر ٥: به ترتیب از راست به چپ: نمای ورودی بازار رضا سمت میدان هفده شهریور در ۱۳۵۵ش (مأخذ: آرشیو داریوش بوربور). دروازه قرآن شیراز (ساخت ۱۳۲۷ش) (قبادیان، ۱۳۹۵: ۲۲۸)

استفاده از ویژگی‌های معماری بومی، علاوه بر هماهنگی با بستر می‌تواند در جهت آسایش اقلیمی کاربران مؤثر واقع شود و هویت‌بخش معماری محیط نیز باشد. معمار بازار رضا با شناختی که از اقلیم و معماری بومی منطقه داشته از عناصر معماری بومی در جهت آسایش اقلیمی کاربران استفاده کرده است. راسته‌های بازار رضا با استفاده از تاق آجری مسقف شده‌اند و از تابش آفتاب جلوگیری می‌کنند. فخرمدین‌هایی که در زیر تاق‌های طبقه اول تعبیه‌شده‌اند به تأمین نور و تهویه بازار کمک می‌کنند؛ استفاده از وید و ارتفاع زیاد سقف بازار باعث تشدید کوران هوا می‌شود. رواق‌ها علاوه بر نقش سایه‌اندازی به‌عنوان عایقی برای مقابله با باد غالب جبهه جنوب شرقی و غربی عمل می‌کنند؛ همچنین هرچه به ارتفاع ساختمان اضافه می‌شود از مساحت پنجره‌ها کاسته می‌شود، در چهارسوق‌ها برای تعدیل هوا از حوض آب و روشندان در گنبدها استفاده شده است تا بدین ترتیب به تهویه هوای بازار کمک نمایند. همچنین ذکر این نکته ضروری است که در این مجموعه برخلاف ظاهر سنتی و استفاده از فرم‌ها و عناصر سنتی، فونداسیون و سازه (اسکلت فولادی) مجموعه با روش‌های نوین اجرا شده است.





تصویر ٦: به ترتیب از راست به چپ: مقطع ایستگاه راه‌آهن مشهد (مأخذ: نگارندگان). بازار رضا در حال ساخت (مآخذ: URL 2)

ایستگاه راه‌آهن مشهد

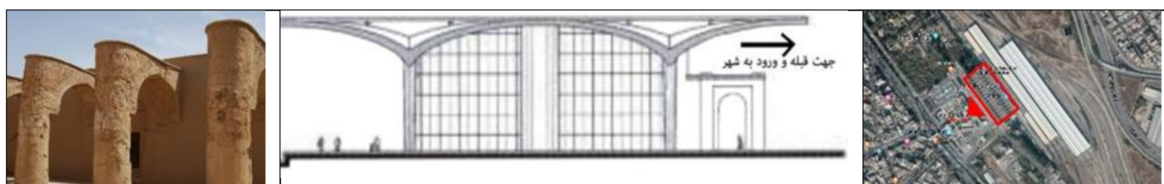
با ظهور مدرنیته در دوران پهلوی، فضاهایی با عملکردهای مدرن مانند فرودگاه، هتل، ایستگاه راه‌آهن و غیره ساخته شدند. ساختمان ایستگاه راه‌آهن مشهد متأثر از جریان‌های معماری دوره پهلوی دوم است. این بنا توسط معمار ایرانی حیدر غیایی و یک معمار فرانسوی بنام فرناند پویون طراحی شده است. فرم کلی ساختمان شامل پوسته بتنی محدب است (قبادیان، ۱۳۹۵: ۲٤۲). ترکیب حجمی ساختمان شامل یک تاق معلق بتنی و دو نیم تاق در طرفین است و در بنا از مصالح مدرنی مانند شیشه و بتن نیز استفاده‌شده است. پلان ساختمان به‌صورت برونگرا و کاملاً مدرن است، طبقه همکف دارای یک سرسرای اصلی (فضای انتظار مسافران) و فضاهای اداری دورتا دور سرسرا است که در دوره‌های مختلف به آن اضافه شده‌اند. شاخص‌ترین و زیباترین قسمت این ساختمان، نمای جنوب غربی (نمای ورودی اصلی) است که شامل یک ردیف ستون سرتاسری

است که در نگاه اول یادآور بناهای نئوکلاسیک می‌باشد. بدنه این نما اگرچه دارای حداقل تزئینات است و این ویژگی آن را در چارچوب بناهای مدرن قرار می‌دهد، اما در نما به‌طور هوشمندانه‌ای اشاراتی به معماری بومی منطقه وجود دارد.




تصویر ۷: نمای اصلی ایستگاه راه‌آهن مشهد (مأخذ: نگارندگان)

ایستگاه راه‌آهن به‌عنوان یکی از مبادی ورودی شهر، نقش مهمی در معرفی فرهنگ و هویت شهر دارد. در شکل‌گیری این پروژه علاوه بر عملکرد و موضوع پروژه به‌عنوان یک موضوع جدید و مدرن؛ مفاهیمی مانند ماهیت مذهبی شهر مشهد تأثیر داشته است، به‌طوری‌که نمای اصلی بنا شامل یک ردیف ستون سرتاسری است که توالی ستون‌های سنگی، حس حرکت را به فرد القا می‌کند (به حرکت قطار اشاره دارد). این در حالی است که ستون‌ها در حقیقت رواق‌هایی با تاق مازه‌دار هستند که از تاق‌های ساسانی و بناهای صدر اسلام (مساجد شیوه خراسانی مانند مسجد تاریخانه یا مسجد جامع فهرج) الهام گرفته‌شده‌اند و به‌نوعی نمادی برای ورود به یک شهر مذهبی هستند. از سویی دیگر، تقسیمات عمودی و ستون‌های سنگی مرتفع و کشیده نمای ساختمان، شکوه و هیبت معماری باستانی (شیوه پارسی) را یادآوری می‌کند که به جریان‌های ملی‌گرایی در دوره پهلوی اول بازمی‌گردد. از دیگر ویژگی‌های مهم در این ساختمان می‌توان به جهت‌گیری و کشیدگی مناسب بنا در جهت قبله و هماهنگی ساختمان با خیابان‌های اطراف اشاره کرد.



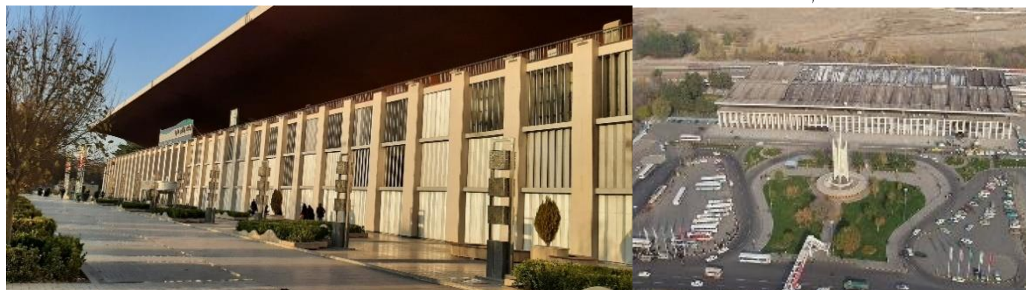
تصویر ۸: به ترتیب از راست به چپ: جهت‌گیری بنا نسبت به قبله؛ مقطع ایستگاه راه‌آهن مشهد (مأخذ: نگارندگان). رواق‌های مسجد تاریخانه دامغان (شباهت رواق‌های نمای ورودی ایستگاه راه‌آهن و رواق‌های مسجد تاریخانه دامغان در تصاویر مشهود است) (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۹: شباهت تاق‌های استفاده‌شده در رواق‌های ایستگاه راه‌آهن به تاق‌های مازه‌دار بناهای صدر اسلام (مسجد جامع فهرج) (مأخذ: نگارندگان). نقوش به‌کاربرده شده در کاشی‌کاری رواق‌ها که کاملاً مدرن می‌باشند (مأخذ: نگارندگان)

به‌طورکلی، توجه به سایت با سه نگرشِ معماری در هماهنگی با سایت، معماری در تقابل با سایت و معماری یادمانگرا صورت می‌گیرد (شایان و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۲). معماری ساختمان ایستگاه راه‌آهن مشهد با طراحی سقف تاقی شکل و جداره مناسب شهری و ارتباط آن با پلازای مقابلش به یک معماری یادمانی تبدیل شده است. بنای ایستگاه راه‌آهن با الهام از اصول جهانی و در ارتباط با معماری ایرانی طراحی‌شده و استفاده از عناصر و جزئیات سنتی مانند رواق‌های جبهه ورودی بنا با ترکیب رنگ کرمی و آبی سبب انعکاس معماری گذشته (سنتی) در معماری مدرن شده

است و همچنین پوسته بتنی سقف آن اشاعه دهنده تکنولوژی مدرن در قالبی سنتی (تاقی شکل) است که ریشه در فرهنگ منطقه‌ای و سنت‌های معماری بومی دارد. واضح است که بارزترین مشخصه مدرنیسم و استفاده از تکنولوژی روز در این بنا استفاده از سیستم سازه‌ای نوین (پوسته بتنی) و تمهیدات ویژه اقلیمی آن است، به‌طوری‌که در نمای اصلی این بنا در فاصله بین رواق‌های نمای ورودی، صفحات آلومینیومی متحرکی قرار دارند که به سایه‌اندازی و تهویه هوا کمک می‌کنند.



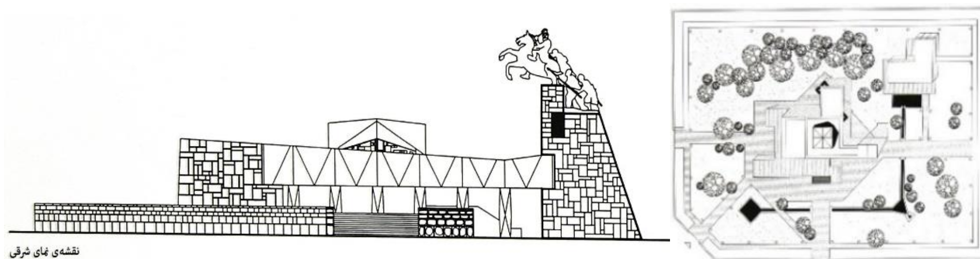
تصویر ۱۰: عکس هوایی از نمای ورودی بنای ایستگاه راه‌آهن (مأخذ: نگارندگان). صفحات آلومینیومی متحرک در بخشی از نمای اصلی (علاوه بر کاربرد اقلیمی نقش مهمی در ایجاد حریم و حجاب برای عملکردهای داخل بنا دارند) (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۱: عکس قدیمی از ایستگاه راه‌آهن مشهد در حال ساخت (مآخذ: URL 2)

مقبره نادرشاه

به دنبال تداوم نگاه ملی‌گرایی در دوران پهلوی دوم، «انجمن آثار ملی» تلاش‌های خود را در جهت بنای آرامگاه مشاهیر ایران آغاز می‌کند (حسن‌پور و سلطان‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۳). ساخت آرامگاه نادرشاه در چهارچوب فعالیت‌های انجمن ملی انجام شد. این آرامگاه در ۱۳۳۸ش توسط هوشنگ سیحون طراحی شده است که در ضلع شمال‌غربی چهارراه شهدا قرار دارد و پس از حرم حضرت رضا(ع) مهم‌ترین موضع توریستی-تاریخی شهر مشهد تلقی می‌شود (خانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹٤: ١٦٨). آرامگاه و بنای یادبود شامل سکویی با دوازده پله، مقبره، پوشش خیمه مانند بر روی مقبره و سکوی مرتفعی در مجاورت آن، برج مرتفع برای برپا کردن مجموعه مجسمه‌ی نادرشاه سوار بر اسب و قزلباش همراه او، یک غرفه فروش کتاب و دو تالار برای موزه اسلحه‌های جنگی است (همان: ١٧١).



تصویر ۱۲: راست: سایت پلان مجموعه (خانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹٤: ۱۷۷). چپ: نمای ورودی مقبره (همان: ۱۸۰)

با توجه به مدارک و اسناد احتمالاً قبل از بنای کنونی مقبره نادرشاه، ساختمان آرامگاه، شامل عمارتی با یک ایوان در جلو و دو اتاق کوچک و راهرو در طرفین بوده است و به نظر می‌رسد فرم آرامگاه کنونی، انتزاعی از فرم مقبره‌های پیشین

است. نمای ورودی مقبره از ایوان مقابر قبلی الهام گرفته‌شده و به‌گونه‌ای فرم ساده‌شده ایوان و تاق‌های سنتی است، اما عدم تقارن در نما و پلان، مصالح و تقسیمات اجزای بنا و مدول‌های مثلث و مربع نما این ساختمان را در چارچوب سبک مدرن (گرایش بروتالیسم) قرار می‌دهد. قبادیان این نوع معماری که در آن سنت و نوگرایی همتراز یکدیگر در طرح کالبدی بنا لحاظ شده است را معماری نوگرای ایرانی می‌نامد (قبادیان، ۱۳۹۵: ٤٦).

به‌طورکلی چهار عامل در شکل‌گیری آرامگاه نادرشاه نقش داشته‌اند. ۱. پیشینه سایت و قرارگیری آن در محدوده عمارات چهارباغ قدیم مشهد بوده است (حسینی، ۱۳۹۱: ۸۱) که حوض‌ها، محوطه باغ و قرارگیری مقبره در میانه باغ بی‌شباهت به باغ‌های ایرانی نیست. ۲. موضوع پروژه است که در طراحی آن از ویژگی‌های شخصیتی نادرشاه مانند اقتدار و بی‌پیرایگی الهام گرفته‌شده و به‌صورت بنایی استوار از سنگ‌های تراش‌خورده ساخته شده است و همچنین فرم پوشش خیمه مانند بالای مقبره به شکل چادر عشایر است که به محل تولد نادرشاه اشاره دارد (خانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹٤: ١٦٨). ۳. معماری بومی منطقه خراسان است که به لحاظ ساختاری قسمت اصلی مقبره (محل دفن نادرشاه) مشابه شبستان ستون‌دار مساجد شیوه خراسانی است. همچنین از مصالح بومی منطقه (سنگ‌های معدن سنگ کوهسنگی) در ساخت آن استفاده‌شده است (همان: ١٦٨). ٤. موقعیت بنا در بافت است که با جهت‌گیری مناسب به سمت حرم مطهر و قبله و هماهنگی با خیابان و بافت اطرافش توانسته با زمینه تعامل مناسبی برقرار کند.



تصویر ۱۳: راست: فضای داخلی مقبره (الهام گرفته‌شده از شبستان مساجد خراسانی) (مأخذ: نگارندگان). چپ: شبستان مسجد تاریخانه دامغان (مأخذ: نگارندگان)



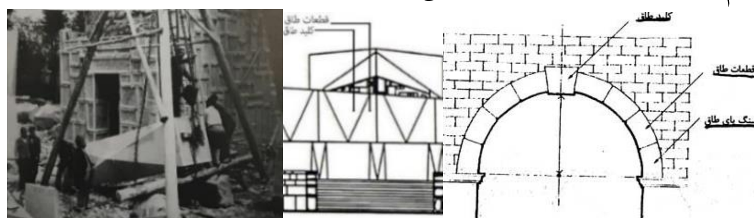
تصویر ١٤: از راست به چپ: عکس هوایی از مقبره نادرشاه، مآخذ: URL 1؛ جهت‌گیری بنا نسبت به حرم مطهر و قبله و بافت پیرامون (مآخذ: URL 1)



تصویر ۱۵: به ترتیب از راست به چپ: آرامگاه پیشین نادرشاه افشار (خانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹٤: ۱۷۱). نمای ورودی مقبره (مأخذ: نگارندگان)

بارزترین جلوه مدرنیسم در این بنا سیستم سازه‌ای و مصالح آن است؛ سیستم سازه‌ای مقبره به‌گونه‌ای است که سقف مثلثی شکل مقبره نادرشاه از بتن آرمه ساخته‌شده و تمام پوشش بنا از بتن مسلح نمایان است (خانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹٤: ۱۷۱). از دیگر نوآوری‌های این بنا می‌توان به ساخت پوشش بین دو ستون مقبره نادرشاه اشاره کرد که تکنیک مدرن و ساده‌شده تاق‌های رومی است. کلید تاق به سنگ مثلثی وسط و بقیه به دو قطعه‌سنگ در طرفین خلاصه می‌شود و تاق قوسی تبدیل به تاق مستقیم و تراز می‌گردد (همان: ۱۷۲). در فضای داخلی، سقف مقبره چگونه

ایستادنش را بر چهار پایه‌ای که در کنج‌ها قرار دارد، به وضوح نشان می‌دهد. از خطوط سقف پیداست که چگونه در محل قالب‌بندی شده و با بتن درجا ساخته شده‌است (باغانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۵). لازم به ذکر است که تمهیدات اقلیمی به‌کاررفته در این بنا به روش تهویه طبیعی (مانند استفاده از گیاهان و آب برای تعدیل هوا و مصالح با ظرفیت حرارتی بالا و غیره) صورت می‌گیرد.



تصویر ۱۶: از راست به چپ: مقایسه قطعات تاق رومی و تاق‌های مقبره نادرشاه (مآخذ: نگارندگان). ساخت آرامگاه نادر ۱۳۴۰-۱۳۳۵ش (خانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ٤٦)

یافته‌ها (بررسی و نتایج)

بررسی نحوه تأثیرپذیری از زمینه در معماری بناهای شاخص می‌تواند به شناخت عوامل تداوم هویت بصری مکان کمک شایانی نماید. تمام پروژه‌های معماری تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای مانند ویژگی‌های فیزیکی و بصری (جنبه‌های کالبدی و بصری) و ویژگی‌های انسانی (فرهنگی-اجتماعی و تاریخی) شکل گرفته‌اند و هیچ پروژه‌ای یافت نمی‌شود که به این عوامل بی‌تفاوت باشد؛ چراکه این عوامل تعریف‌کننده محصول معماری و معیاری برای سنجش کیفیت معماری آن‌ها نیز است. با بررسی تعاریف منطقه‌گرایی، زمینه‌گرایی و ویژگی‌های بستر جداولی برای تحلیل بناهای موردنظر به‌دست‌آمده است؛ در این جداول ۵ و ٦ و ۷ و ۸ نگارندگان به بررسی میزان زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی هر بنا می‌پردازند.

جدول ۵: تحلیل آثار شاخص پهلوی دوم بافت مرکزی مشهد بر اساس معیارهای منطقه‌گرایی (مأخذ: نگارندگان)

مؤلفه‌ها		بازار رضا	ایستگاه راه‌آهن مشهد	مقبره نادرشاه
مصالح	بومی	✓	✓	✓
	مدرن	–	✓	✓
روش‌های ساخت	روش ساخت سنتی	✓	–	✓
	روش‌های نوین ساخت	–	✓	✓
سازگاری با اقلیم	روش‌های نوین	–	✓	–
	روش‌های بومی	✓	–	✓
ویژگی‌های مکانی(شهر مذهبی)		✓	✓	–
فرم و کهن‌الگوها معماری ایران		✓	✓	✓
معیارهای منطقه‌گرایی به درصد		62.5	75	75

جدول ٦: تحلیل بنای بازار رضا از منظر زمینه‌گرایی (مأخذ: نگارندگان)

	معیارها		بازار رضا	توضیحات
زمینه بصری	جنبه‌های کالبدی	ارتفاع (خط آسمان)	✓	ارتفاع و خط آسمان متناسب با همسایگی‌ها؛ خط لبه بام صاف است و خط آسمان متشکل از گنبدهای چهارسوق‌ها به همراه روشندان آن و محور صاف سقف تاقی شکل راسته‌بازار است.
		توده و حجم	✓	با توجه به عکس‌های گذشته ساختار حجمی مشابه ساختمان پیرامون خصوصاً معماری حرم مطهر است.
		موقعیت	–	موقعیت بنا به‌گونه‌ای است که به علت طول زیاد بنا دید و چشم‌انداز مناسبی به بافت اطراف وجود ندارد.

	ارتباط با پیرامون		جهت‌گیری	✓	در دو ورودی اصلی جهت‌گیری و ارتباط مناسبی نسبت به میادین وجود دارد. همچنین جهت‌گیری مناسبی نسبت به حرم مطهر وجود دارد و ریتم عناصر جداره‌های بازار خوانایی و وضوح کافی برای جهت‌یابی به سمت حرم مطهر را فراهم می‌کند.
			ریتم (انسجام تک بناها)	✓	ریتم مناسب عناصری مانند فخرمدین‌ها، تاق‌ها و آجرکاری‌ها باعث انسجام نماهای بنا شده است و با بافت پیرامون مرتبط است.
			مصالح و رنگ	✓	در بنا از دو رنگ کرم (آجر) و آبی (کاشی) استفاده‌شده و علاوه بر اینکه با بافت پیرامون همخوانی دارد ترکیب رنگ معماری اسلامی است.
			مقیاس	–	به لحاظ ارتفاعی و اندازه، جزئیات بنا با بافت پیرامون تا حدی متناسب است، اما طول بسیار زیاد بنا با بافت پیرامون هم‌خوانی ندارد.
			عقب‌نشینی	✓	ورودی‌های اصلی نسبت به میادین عقب‌نشینی مناسبی دارد.
			حالت و جزئیات نما	✓	قاب‌بندی آجری، تاق‌های جناغی و نقوش هندسی کاشی‌کاری در نماهای بنا قابل‌توجه است و از این لحاظ با معماری حرم مطهر (معماری اسلامی) هماهنگ است.
			تناسبات	✓	ارتباط بصری مناسبی بین تناسبات این ساختمان با بافت اطراف وجود دارد؛ همچنین به لحاظ بصری بین اجزای نما با کل بنا هماهنگی وجود دارد به‌طوری‌که ارتفاع تاق‌های ورودی علاوه بر اینکه تصویر مناسبی در مقیاس شهری ارائه می‌کند با کاهش ارتفاع تدریجی هماهنگی لازم بین کل و جز در بنا به وجود می‌آید.
	تاریخی			✓	شباهت به فرم دروازه‌های شهری بازارهای قدیمی (با توجه به نقشه ۱ در گذشته در محل سایت بازار رضا، راسته‌بازار تاریخی عیدگاه و دروازه عیدگاه قرار داشته است) و استفاده از کهن‌الگوهای معماری اسلامی.
زمینه انسانی	فرهنگی-اجتماعی	ارزش‌های اعتقادی - اجتماعی	عدل و تواضع	✓	سادگی فرم، وحدت شکلی جداره‌ها و استفاده از مصالح بومی منطقه مانع تفاخر و جلب‌توجه نما آن می‌شود.
			تعامل و تعاون	✓	رواق‌های پیرامون بازار به‌عنوان یک گذر شهری عمل می‌کنند و فضایی برای تعامل ایجاد می‌کنند.
			ذکر، آموزش معنوی،...	✓	استفاده از نقوش هندسی کاشی‌کاری نمای ورودی، قاب‌بندی و نقوش آجرکاری‌ها و عناصر معماری اسلامی القاکننده حس روحانی به محیط هستند.
			پرهیز از اسراف و فساد	✓	مصالح بومی و داشتن اجزا چند عملکردی؛ مانند داشتن نقش تزئینی اجزا همراه با نقش اقلیمی در آن‌ها همچون فخرمدین و وید.
			حفظ هویت جمعی با حفظ حقوق فردی	✓	استفاده از رنگ و نشانه‌های بومی مانند تاق، گنبد، نقوش آجرکاری و کاشی‌کاری.

			احساس عدل در سایه وحدت در کثرت و غیره	✓	استفاده از تزیینات و عناصر معماری اسلامی در بنا، علاوه بر ایجاد وحدت در نماهای بنا باعث هماهنگی آن با نما سایر بناهای مجاور بالأخص نمای حرم مطهر شده است.
			مقیاس انسانی	✓	ایجاد جلوخان در ورودی‌ها و توجه به ارتفاع عناصر و اجزا جداره که نشان از در نظر گرفتن فاصله ناظر از بنا و توجه به مقیاس انسانی است.
			احترام به حقوق همسایگی	✓	احترام به محور بصری منتهی به حرم، با رعایت ارتفاع و خط آسمان و همچنین رعایت حریم بناهای مجاور به لحاظ اقلیمی.
			احترام به سنت مهمان‌نوازی	✓	تعبیه جلوخان و پیش ورودی بنا برای دعوت‌کنندگی و استراحت مخاطبین
میزان زمینه‌گرایی به درصد				%۹۰	

جدول ۷: تحلیل بنای ایستگاه راه‌آهن مشهد از منظر زمینه‌گرایی (مأخذ: نگارندگان)

	معیارها		ایستگاه راه‌آهن مشهد	توضیحات
زمینه بصری	جنبه‌های کالبدی	ارتفاع (خط آسمان)	–	ارتفاع زیاد ساختمان با همسایگی‌ها هم‌خوانی ندارد و خط آسمان بنا در نمای طولی خط صاف است و در نمای عرضی متشکل از یک تاق و دونیم تاق است.
		توده و حجم	–	ساختار حجم بنا با زمینه و بافت اطراف متفاوت است.
		موقعیت (هم‌جواری‌ها)	–	قرارگیری بنا به‌گونه‌ای است که دید مناسبی از محیط اطراف فراهم نمی‌کند.
	ارتباط با پیرامون	جهت‌گیری	✓	جهت‌گیری مناسبی هم در بافت (خیابان‌های اطراف) و هم در جهت قبله وجود دارد.
		ریتم (انسجام تک بنا)	✓	کشیدگی بنا در طول خیابان و ریتم مناسب در حجم و نما با استفاده از تکرار ستون‌ها و رواق‌ها موجب انسجام بنا شده است.
		مصالح و رنگ	–	بااینکه در مصالح نما از ترکیب رنگ کرمی (سنگ) و آبی کم‌رنگ (کاشی) استفاده شده است و با بافت اطراف هماهنگی دارد، اما استفاده از رنگ تیره در زیر سقف بتنی بنا جلب‌توجه می‌کند.
		مقیاس	–	مقیاس بنا با اطراف سازگاری ندارد.
		عقب‌نشینی	✓	عقب‌نشینی مناسبی نسبت به خیابان‌های مجاور دارد.
		حالت و جزئیات نما	✓	جزئیات موجود در نما مانند ریتم ستون‌های سنگی نما، هم الگو در معماری باستانی دارد و هم نگاهی غرب‌گرایانه دارد و از جهتی رواق‌های نما ورودی برگرفته از عناصر معماری اسلامی است همچنین استفاده وسیع از شیشه، بنا را در چارچوب سبک معماری مدرن قرار می‌دهد.
		تناسبات	–	ارتباط بصری مناسبی بین تناسبات این بنا با بناهای اطراف وجود ندارد؛ اما تقسیمات نما، ارتفاع رواق‌ها (نسبت ۲ به ۳ با ارتفاع سقف دارد) با کل بنا متناسب است.

	تاریخی			✓	اسناد و مدارکی از پیشینه سایت در دسترس نیست، اما رواقی به شیوه مساجد خراسانی روی بدنه مدرن آن الحاق شده است.
زمینه انسانی	فرهنگی-اجتماعی	ارزش‌های اعتقادی-اجتماعی	عدل و تواضع	–	–
			تعامل و تعاون	✓	طراحی رواق در جبهه ورودی بنا فضایی برای مکث و گفتگو فراهم می‌کند.
			ذکر، آموزش، معنوی و غیره	–	–
			پرهیز از اسراف و فساد	–	–
			حفظ هویت جمعی با حفظ حقوق فردی	✓	استفاده از تاق و بهره‌گیری از کاشی آبی‌رنگ در تزئین آن‌ها ریشه در معماری اسلامی و بومی دارد (لازم به ذکر است که نقوش روی کاشی‌ها کاملاً مدرن است).
			احساس عدل در سایه وحدت در کثرت	–	–
			مقیاس انسانی	–	–
			احترام به حقوق همسایگی	–	–
			احترام به سنت مهمان‌نوازی	✓	عقب‌نشینی مناسب و طراحی پلازای شهری مقابل بنا.
میزان زمینه‌گرایی به درصد				۴۰٪	

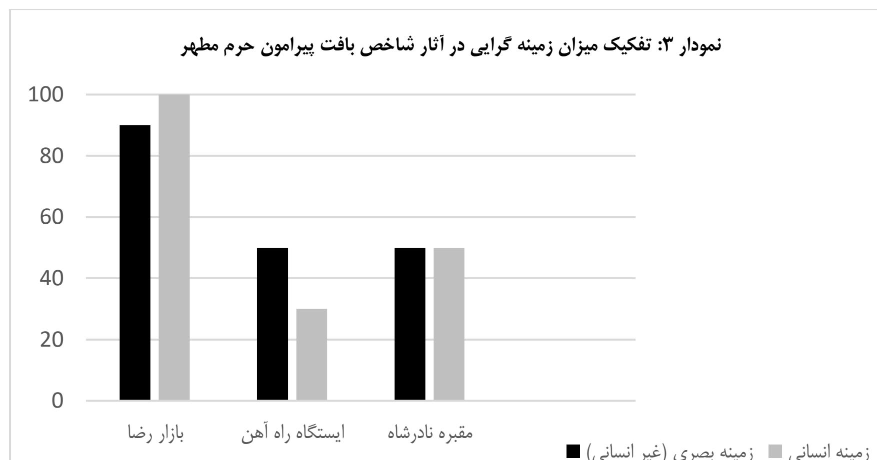
جدول ۸: تحلیل بنای باغ مقبره نادرشاه از منظر زمینه‌گرایی (مأخذ: نگارندگان)

	معیارها		مقبره نادرشاه	توضیحات
زمینه بصری	جنبه‌های کالبدی	ارتفاع (خط آسمان)	–	ارتفاع نامتناسب با همسایگی‌ها، خط آسمان بنا با بافت پیرامون آن متفاوت است و متشکل از پوشش خیمه مانند مقبره و برج مجسمه آن است.
		توده و حجم	–	ساختار حجمی متفاوت با زمینه.
		موقعیت	✓	قرارگیری بنا در وسط باغ مانع دید بافت اطراف نشده است.
	ارتباط با پیرامون	جهت‌گیری	✓	جهت‌گیری متناسب با بافت اطراف، جهت قبله و حرم مطهر است.
		ریتم (انسجام تک بنا)	✓	ریتم مناسب در نقش سنگ‌های نما در حجم پیوستگی به وجود آورده است. ضمن اینکه ریتم سنگ‌های نما در ریتم پنجره‌ها نیز تکرار شده‌اند و موجب انسجام کلی بنا شده است.
		مصالح و رنگ	✓	در بنا ترکیبی از مصالح مدرن و بومی (سنگ و بتن) دیده می‌شود و رنگ‌های خنثی استفاده‌شده در ترکیب مصالح نما باعث هماهنگی بنا با بافت اطراف شده است و جلب‌توجه نمی‌کند.

			مقیاس	–	با توجه به تصویر ۱۴ مقیاس بنا با بناهای گذشته و حال همخوانی ندارد.
			عقب‌نشینی	✓	قرارگیری بنا به‌گونه‌ای است که عقب‌نشینی کافی نسبت به ساختمان‌های مجاور در همه جهات وجود دارد.
			حالت و جزئیات نما	–	جزئیات و مدول‌های استفاده‌شده در نما (مثلث و مستطیل) کاملاً متفاوت با زمینه است و به لحاظ سبکی مدرن است، تنها تزئین بنا شامل تراش سنگ‌ها و برجستگی‌های سطح آن است.
			تناسبات	–	علاوه بر اینکه بنا با محیط اطراف تناسبات ندارد، اجزای نما مانند اندازه مدول‌های سقف با دیگر اجزای نما متناسب نیست.
	تاریخی			✓	شکل‌گیری فرمی با توجه به فرم مقبره‌های پیشین نادرشاه و همچنین توجه به پیشینه سایت که در گذشته در محدوده سایت مقبره، چهارباغ قدیم مشهد واقع بوده است و در شکل‌گیری باغ مقبره نادری بی‌تأثیر نبوده است.
زمینه انسانی	فرهنگی-اجتماعی	ارزش‌های اعتقادی-اجتماعی	عدل و تواضع	–	ارتفاع سکو و مجسمه نادرشاه باعث جلب‌توجه می‌شود.
			تعامل و تعاون	✓	ایوان ورودی و قرارگیری بنا روی سکو، باعث به وجود آمدن فضایی برای بازدیدکنندگان جهت برقراری تعاملات اجتماعی شده است.
			ذکر، آموزش معنوی و غیره	–	–
			پرهیز از اسراف و فساد	✓	استفاده از مصالح بومی (سنگ)
			حفظ هویت جمعی با حفظ حقوق فردی	–	–
			احساس عدل در سایه وحدت در کثرت	–	ریتم مدول‌های نما باعث ایجاد وحدت در نماهای بنا شده است، اما هماهنگی لازم میان نماهای شهری و نمای این بنا وجود ندارد.
			مقیاس انسانی	✓	با توجه به اینکه ارتفاع بنا نسبتاً زیاد است اما با طراحی پیش ورودی و ارتفاع مناسب تاق‌ها (منظور ارتفاع کف تا زیر سقف است) سعی شده تا بنا به لحاظ ارتفاعی با مقیاس انسانی تناسب داشته باشد.
			احترام به حقوق همسایگی	–	–
			احترام به سنت مهمان‌نوازی	✓	فضای پیش ورودی مقبره
میزان زمینه‌گرایی به درصد				٪۵۰	

همانطور که در جداول فوق مشاهده می‌شود، در بین بناهای بررسی‌شده بر اساس دو واکنش مطرح‌شده نسبت به زمینه، بازار رضا با ۹۵ درصد بیشترین میزان زمینه‌گرایی را دارد و بنای مقبره نادرشاه و ایستگاه راه‌آهن به ترتیب دارای ۵۰ و ۴۰

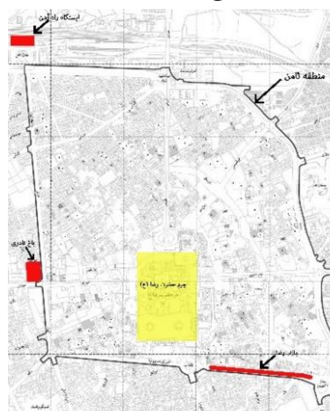
درصد زمینه‌گرایی هستند. بر اساس معیارهای منطقه‌گرایی ایستگاه راه‌آهن مشهد و مقبره نادرشاه دارای بیشترین میزان منطقه‌گرایی یعنی ۷۵ درصد است و بازار رضا مشهد دارای ٦٢/٥ درصد منطقه‌گرایی است؛ میزان منطقه‌گرایی در دو بنای ایستگاه راه‌آهن و مقبره نادرشاه به‌واسطه تأثیرپذیری از جریان‌های مدرنیسم نسبت به بازار رضا بالاتر است، با این تفاوت که منطقه‌گرایی مقبره نادرشاه از نوع اصیل و منطقه‌گرایی ایستگاه راه‌آهن از نوع غیر اصیل است.
بررسی‌ها نشان می‌دهد که در طراحی بناهای مذکور نوعی نگاه منطقه‌گرا در حوزه استفاده از مصالح و کهن‌الگوها وجود دارد، به‌طوری‌که در معماری آن‌ها از مصالح بومی مانند آجر و سنگ استفاده‌شده است؛ همچنین با وجود اختلاف سبکی در بناهای مذکور، در هر سه بنا اشاراتی به معماری شیوه خراسانی که معماری بومی این خطه است دیده می‌شود؛ این بدان معناست که عناصر معماری بومی نباید ضرورتاً به‌طور عینی استفاده شوند بلکه می‌توانند کاملاً مدرن باشند به شرطی که هویت بصری خود را حفظ کنند؛ مانند معماری بازار رضا که فرم و کالبدش به نمونه‌های اصیل معماری خراسانی شباهت دارد و یا فضای اصلی مقبره نادرشاه که نگاهی مدرن به شبستان مساجد شیوه خراسانی است. این نگاه بومی در معماری ایستگاه راه‌آهن به‌نوعی دیگر نمود می‌یابد. در معماری ایستگاه راه‌آهن رواقی به شیوه مساجد شیوه خراسانی روی بدنه مدرن آن الحاق شده است. درست است که این شیوه از منطقه‌گرایی که در معماری ایستگاه راه‌آهن بکار رفته به عقیده ویلیام کرتیس (Curtis, 1985: 73) بدترین نوع منطقه‌گرایی است، اما منطقه‌گرایی در معماری ایستگاه راه‌آهن با شباهت نمای اصلی (ریتم ستون‌های سنگی مرتفع) آن به معماری باستانی، از مقیاس منطقه‌ای فراتر رفته و جنبه ملی پیدا می‌کند. اگر بناهای مذکور را بر اساس تأثیرپذیری از سبک‌های زمینه دسته‌بندی کنیم به ترتیب میزان ارتباط آن‌ها با زمینه از بناهای اطراف (معماری حرم مطهر) تا سبک‌های منطقه‌ای (شیوه خراسانی) و ملی پیش می‌رود. همچنین از تأثیرات جریان‌های جهانی‌سازی و مدرنیسم در معماری نمونه‌های موردی می‌توان به استفاده از سیستم‌های نوین سازه‌ای و مصالح مدرن (مانند بتن و فولاد) اشاره کرد. به‌طورکلی فرم سازه بناهای مذکور برگرفته از ویژگی‌های معنایی مکان (تاق سنتی) است.
بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته (نمودار ۱) زمینه گرایی در آثار مذکور بیشتر متوجه زمینه بصری است، به‌طوری‌که هریک از بناها دارای حداقل نیمی از معیارهای زمینه بصری (حداقل ۵۰ درصد) هستند. بنابراین مهم‌ترین عامل زمینه‌ای که در آثار مذکور رعایت شده توجه به ویژگی‌های کالبدی و بصری است. در بین این سه اثر، ویژگی‌های مشترک کالبدی وجود دارد که عبارت‌اند از: جهت‌گیری بنا به سمت قبله و حرم مطهر، عقب‌نشینی مناسب با خیابان و ساختمان‌های مجاور، استفاده از مصالح با رنگ متناسب با بافت پیرامون و وحدت و پیوستگی در نمای نمونه‌های موردی (به‌صورت تک بنا) که به‌وسیله ریتم موجود در عناصر و اجزا نمای آن‌ها حاصل شده است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته بازار رضا به لحاظ زمینه بصری به اکثر معیارهای فیزیکی منطقه توجه داشته و دارای بیشترین همخوانی و سازگاری به لحاظ کالبدی است، اما دو بنای ایستگاه راه‌آهن و مقبره نادرشاه به دلیل ارتفاع زیاد، ترکیب حجمی متفاوت و عدم رعایت تناسبات بصری با ساختمان‌های اطراف نتوانسته‌اند سازگاری کافی با زمینه (بالای ۵۰ درصد) به لحاظ بصری داشته باشند.



نمودار ۳: تفکیک میزان زمینه گرایی در آثار شاخص بافت پیرامون حرم مطهر

تنها توجه به زمینه بصری نمی‌تواند تعیین‌کننده زمینه‌گرایی در بنا باشد زیرا زمینه‌گرایی شامل عوامل مهمی مانند زمینه‌های انسانی (تاریخچه و ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی) است. دو بنای ایستگاه راه‌آهن و مقبره نادرشاه به علت تفاوت سبکی و تأثیرپذیری از سبک بین‌الملل کمتر به زمینه فرهنگی توجه داشته‌اند و تنها وجه مشترک ویژگی‌های فرهنگی این سه بنا منوط به دو ویژگی حاصل از تحقق معیارهای فرهنگی-اجتماعی می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. ایجاد فضای پیش ورودی یا جلوخان در ورودی هر سه بنا. ۲. طراحی جداره‌های نما به‌گونه‌ای که فضایی برای ارتباط اجتماعی مخاطبین فراهم کند. از جهتی نکته قابل‌توجه در معماری ایستگاه راه‌آهن و بازار رضا استفاده از عناصر معماری اسلامی (رواق‌ها) در نمای آن‌ها است که علاوه بر احیا فرهنگ ایرانی-اسلامی در منظر شهری موجب حفظ هویت جمعی منطقه شده است.

با توجه به نقشه ۲ و میزان زمینه گرایی و منطقه‌گرایی در هر بنا می‌توان چنین نتیجه گرفت که در محدوده بافت پیرامون حرم مطهر (منطقه ثامن) میزان زمینه‌گرایی در آثار مذکور با فاصله از حرم مطهر رابطه عکس دارد هر چه فاصله از حرم مطهر کمتر باشد میزان زمینه گرایی در بناها افزایش می‌یابد. استفاده از این رویکرد برخورد با زمینه با توجه به موقعیت قرارگیری بنا از حرم مطهر می‌تواند به داشتن منظر شهری مناسب در پیرامون حرم مطهر کمک شایانی نماید.



نقشه ۲: موقعیت قرارگیری نمونه‌های موردی نسبت به حرم مطهر (مهرازان، ۱۳۹۶: ۵۰)

نتیجه‌گیری

شهر مشهد به‌عنوان پایتخت معنوی ایران، نقش هویت‌سازی در بین شهرهای ایران دارد، اما اولویت‌یابی جنبه‌های نوگرایی در طرح‌های توسعه شهری و بی‌توجهی به ویژگی‌های بستر در طراحی بناهای امروزی، منجر به تنزل ارزش‌های معماری و شهرسازی و از بین رفتن معماری بومی شده است. بدین سبب در پژوهش حاضر پس از تبیین مؤلفه‌های منطقه‌گرایی و زمینه‌گرایی، به بازخوانی معماری بناهای شاخص دوره پهلوی دوم بافت مرکزی شهر مشهد و بررسی رابطه آن‌ها با زمینه پرداخته شد تا بتوان به ویژگی‌ها و راهبردهایی در جهت احیا هویت منطقه دست‌یافت. با

توجه به بررسی و تحلیل‌های صورت گرفته بر روی نمونه‌هایی از معماری دوره پهلوی دوم بافت مرکزی شهر مشهد از جهت چگونگی تأثیرپذیری آن‌ها از زمینه بر اساس مؤلفه‌های منطقه‌گرایی و زمینه‌گرایی می‌توان راهکارهای زیر را در خصوص تداوم معماری این زمینه ارائه داد: ۱. توجه به فرم‌ها و کهن‌الگوهای معماری بومی منطقه (شیوه خراسانی) در جهت ارتقا هویت تاریخی. ۲. پرهیز از خودنمایی در برابر معماری حرم مطهر رضوی و ایجاد حس سادگی و آرامش معنوی با ارائه فرم‌های ساده و استفاده از مصالح بومی با رنگ خاکی یا خنثی (همچون رنگ آجر به‌عنوان مصالح بومی و یا مصالح با رنگ خنثی و متناسب با بافت پیرامون). ۳. تناسب فرم سازه با ویژگی‌های معنایی محیط. ۴. ارتقای وحدت معنوی و حفظ هویت جمعی مکان با استفاده از تزئینات و عناصر معماری اسلامی به‌صورت انتزاعی در نماهای بافت پیرامون حرم مطهر رضوی خصوصاً در محیط‌های با کاربری عمومی مانند بازار، پایانه‌ها و غیره که نمادی از فرهنگ و هویت شهر محسوب می‌شوند. ۵. توجه به جهت قبله و حرم مطهر در طراحی بنا همچون کشیدگی بنا به سمت قبله و یا حرم مطهر، طراحی ویژه نما در جهت قبله یا حرم مطهر، چنانچه موقعیت بنا به‌گونه‌ای باشد که بنا در مسیر منتهی به حرم مطهر قرار دارد در نماها از نشانه‌ها و نمادهایی برای جهت‌یابی و خوانایی مسیر استفاده شود. ٦. معماری در تعامل با فرهنگ شهر زیارتی، همچون تعبیه پیش ورودی (جلوخان) برای ترویج سنت مهمان‌نوازی، توجه به جهت و محور بصری منتهی به حرم مطهر برای ادای احترام، طراحی جداره‌هایی برای ایجاد تعاملات اجتماعی با توجه به زائرپذیر بودن شهر مشهد. درنهایت می‌توان بیان داشت که با در نظر گرفتن راهکارهای ارائه‌شده و توجه به مؤلفه‌های منطقه‌گرایی و زمینه‌گرایی در طراحی بنا، می‌توان گام مؤثری در راستا احیا هویت منطقه و نمایش اصالت فرهنگی و ارزشی شهر برداشت. از افق‌های تحقیقاتی که برای ادامه و توسعه این پژوهش وجود دارد، می‌توان به تبیین نحوه برخورد با زمینه در بناهای بعد از انقلاب در پیرامون حرم مطهر رضوی و یا پیرامون نمونه‌های موردی این پژوهش اشاره کرد.

فهرست منابع

۱. بابایی، سعید؛ و مهدی خاک‌زند. (۱۳۹۷). «زمینه‌گرایی در آثار معماران غیر ایرانی در دوره پهلوی اول (مدرسه البرز و ایرانشهر)». ***مطالعات معماری ایران***. (شماره ۱۴)، ۱۸۹-۱۷۱.

۲. باغانی، پدرام؛ و همکاران. (۱٤۰۰). «امکان ارزیابی زیبایی شناختی آثار معماری بر پایۀ دیدگاه نلسون گودمن، مطالعۀ موردی «موزۀ نادری» و «موزۀ بزرگ خراسان»». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ***. (شماره ٤٥)، ٦۰-٤٧.

۳. بایزیدی، قادر؛ و همکاران. (۱۳۹۲). «جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آن‌ها در معماری معاصر». ***نقش‌جهان***. (شماره ۱)، ۱۸-۷.

۴. بحریه، پروشا؛ و همکاران. (۱۳۹۹). «بازخوانی سیر تحول معماری در ساختار بازار تبریز با تأکید بر زمینه‌گرایی». ***مطالعات شهر ایرانی-اسلامی***. (شماره ۳۹)، ۱۸-۵.

٥. بذرافکن، کاوه؛ و همکاران. (١٣٩٦الف). «بازشناسی نگرش به زمینه در بناهای ساخته شدۀ میدان مشق تهران در دوره پهلوی اول». ***مطالعات شهر ایرانی-اسلامی***. (شماره ۳۰)، ٥-١٤.

٦. بذرافکن، کاوه؛ و همکاران. (١٣٩٦ب). «تبیین روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی در معماری ایران (نمونه مطالعاتی: اثرهایی شاخص با دوره‌های زمانی متفاوت از معماری شهر تهران)». ***مدیریت شهری***. (شماره ۴۸)، ۲۳۸-۳۴۲.

۷. برولین، برنتسی. (۱۹۸۰). ***معماری در زمینه-سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم***. ترجمه راضیه رضازاده. تهران: خاک.

۸. بهزادفر، مصطفي. (۱۳۸۷). ***هويت شهر: نگاهي به هويت شهر تهران***. تهران: شهر.

۹. بی‌نام. (١٣٥٦). ***آستان قدس رضوی دیروز و امروز***. مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۰. بنتلی، ای ین، و همکاران، (۱۳۸۲). ***راهنمای طراحان***. ترجمه مصطفی بهزادفر. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

۱۱. پوراحمد، احمد؛ و علی‌اصغر پیله‌ور. (۱۳۸۳). «روند رشد و توسعۀ کلان‌شهرهای کشور مطالعه موردی: شهر مشهد». ***پژوهش‌های جغرافیایی***. (شماره ٤٨)، ١٢١-١٠٣.

۱۲. پورجعفر، محمدرضا؛ و همکاران. (۱۳۹۳). «سنجش اثرات همگرایی نیروهای مذهب و اقتصاد در شکل و فرم منطقه ثامن شهر مشهد در دوره معاصر». ***مطالعات شهری.*** (شماره ۱۲)، ۸۷-۱۰۱.

۱۳. تولائی، نوین. (۱۳۸۰). «زمینه‌گرایی در شهرسازی». ***هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی.*** (شماره ۱۰)، ۳٤-٤۳.

۱۴. ثابتی اشجعی؛ و همکاران. (۱۳۹۳)، «ارائه راهکارهای موردنیاز در معماری همساز با اقلیم در شهر مشهد جهت نیل به آسایش حرارتی». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ.*** (شماره ۱۵)، ۱۳۱-۱۲۲.

۱۵. حسن‌پور، ناصر؛ و حسین سلطان‌زاده. (۱۳۹۵). «عوامل پس‌زمینه تحولات معماری معاصر ایران در دوران پهلوی دوم و مقایسه تطبیقی آن با ترکیه». ***باغ نظر.*** (شماره ۴۴)، ۳۹-۵۲.

۱٦. حسینی، هاشم. (۱۳۹۱). «چهارباغ مشهد تیموری در آیینه تاریخ». ***پژوهش‌های تاریخی.*** (شماره ۱۰)، ۷۳-۸۸.

۱۷. خانی‌زاد، شهریار؛ و همکاران. (۱۳۹٤). ***هوشنگ سیحون: معمار، نقاش، هنرمند.*** تهران: هنر معماری قرن (وابسته به موسسه فرهنگی هنری معماری قرن).

۱۸. خبازی، محمد. (۱۳۸۱). «ایستگاه راه‌آهن مشهد». ***معمار.*** (شماره ۱۷). ۷۰-۷۲.

۱۹. خیرآبادی، مسعود. (۱۳۷٦). ***شهرهای ایران.*** مشهد: نیکا.

۲۰. دیبا، داراب؛ و همکاران. (۱۳۹۹). «بازخوانی رویکردهای منطقه‌گرایی در بناهای شاخص معاصر شهر مشهد». ***جغرافیا و توسعه فضای شهری.*** (شماره ۱۲)، ۱۸۵-۱٦٦.

۲۱. رضوانی، علیرضا. (۱۳۸٤). ***درجستجوی هویت شهری مشهد.*** تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

۲۲. رکنی، نوشین؛ و همکاران. (۱۳۹٦). «واکاوی نظام فضایی پنهان معماری بومی مسکن مشهد بر اساس تئوری نحو فضا». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ.*** (شماره ۲٦)، ٥٦-٤۰.

۲۳. رهنما، محمدرحیم. (۱۳۸۸). «شناسایی نقاط با ارزش شهری در مشهد». ***جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای.*** (شماره ۱۳)، ۱۹۰-۱۵۹.

۲۴. سراج‌الدین، اسماعیل. (۱۳۷٦). «مقدمه‌ای بر منطقه‌گرای در معماری مساجد». ترجمه سعید نوری‌نشاط. ***هنر.*** (شماره ۳۳)، ۵۴-٦۳.

25. سرمد، زهره؛ و همکاران. (۱۳۷٦). ***روش‌های تحقیق در علوم رفتاری.*** تهران: آگه.

26. شایان، حمیدرضا؛ و همکاران. (۱۳۸۸). «مفاهیم طراحی در زمینه بیگانه». ***هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی.*** (شماره ۳۸)، ٤۹-٦۰.

۲۷. شاه تیموری، یلدا؛ و حامد مظاهریان. (۱۳۹۱). «رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی». ***هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی.*** (شماره ۱۷)، ۱۵-۱.

۲۸. شاهی زارع؛ و همکاران. (۱۳۹۹). «ارزیابی مؤلفه‌های زمینه‌گرایی مؤثر بر کیفیت محیط مجتمع‌های مسکونی شهری (مطالعه موردی: شهر اردبیل)». ***معماری و شهرسازی پایدار.*** (شماره ۸)، ۱۵۱-۱۷۲.

۲۹. شرکت خدمات آماری و پژوهشی طوس. (۱۳۸۷). ***بررسی اثرات اقتصادی حضور زائرین و گردشگران در مشهد مقدس.*** مشهد: مدیریت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری ۱۰.

۳۰. طلایی، مریم؛ و همکاران. (۱۳۹۸). «نقش تزئینات در بازیابی هویت ایرانی-اسلامی در جداره‌های شهری مورد مطالعاتی: راسته تاریخی بالا و پایین خیابان شهر مشهد». ***معماری و شهرسازی آرمان‌شهر.*** (شماره ۲۹)، ۱۱۲-۹۹.

۳۱. فرهادی بلقور؛ و معصومه توانگر. (١٤٠١). «اثرات اجرای طرح‌های توسعه شهری در تخریب مکان‌های باارزش شهر زیارتی-گردشگری مشهد» .***پژوهشنامه خراسان بزرگ.*** (شماره ٤٦)، ۸٤-۷۱.

۳۲. قبادیان، وحید. (۱۳۹۵). ***سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران.*** تهران: علم معمار.

۳۳. قبادیان، وحید. (۱۳۸۵). ***مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب.*** تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۳٤. قصابیان، محمدرضا. (۱۳۸۹). ***راهنمای جامع شهر مشهد.*** مشهد: آستان قدس رضوی.

۳۵. کامل‌نیا، حامد؛ و محمدجواد مهدوی‌نژاد. (۱۳۹۲). ***آشنایی با معماری معاصر از شرق تا غرب: بررسی مبانی،***

مفاهیم ریشه‌های شکل‌گیری آن. تهران: مؤسسه علم معمار رویال.

۳۶. کیوانی، مهدی؛ و آنیتا رفیعی‌نیشابوری. (۱۳۹۶). «بررسی نقش و جایگاه بازارهای سنتی در شهرهای ایرانی-اسلامی؛ مطالعه موردی: بازار رضا مشهد». ***کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر.*** تهران، ۱-۱۶.

۳۷. گروت، لیندا؛ و دیوید وانگ. (۱۳۹۸). روش***های تحقیق در معماری.*** ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.

۳۸. گلشن، هدیه؛ مهدی محمودی کامل‌آبادی. (۱۳۹۸). «ملاحظات معماری زمینه‌گرا در خیابان چهارباغ عباسی اصفهان». ***مرمت و معماری ایران.*** (شماره ۱۸)، ۵۲-۳۳.

۳۹. گودرزی سروش؛ و همکاران. (۱۳۹۵)، «بررسی شناخت عوامل زمینه‌گرا در کالبد خانه‌ها و بافت کهن سنندج با نگاهی به ویژگی‌های عمارت وکیل‌الملک». ***مطالعات شهر ایرانی-اسلامی.*** (شماره ۲۶)، ۵۵-۶۹.

۴۰. مانیاگو لامپونیانی، ویتوریو. (۱۳۸۶). ***معماری و شهرسازی در قرن بیستم.*** ترجمه لادن اعتضادی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۴۱. مرزبان، پرویز؛ و حبیب معروف. (۱۳۸۹). ***فرهنگ مصور هنرهای تجسمی.*** تهران: یادواره اسدی.

۴۲. معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۳). ***سیری در مبانی نظری معماری.*** تهران: مؤلف.

۴۳. مولائی، اصغر؛ و محمدتقی پیربابایی. (۱۳۹۵). «طراحی شهری و منطقه‌ای زمینه‌گرا در مسیر سفر امام رضا(ع) به ایران». ***فرهنگ رضوی.*** (شماره ۱۶)، ۱۴۲-۱۰۲.

۴۴. مهندسین مشاور مهرازان. (۱۳۹۶). ***برنامه راهبردي بهسازي و هدايت موزون توسعه پيرامون حرم مطهر حضرت رضا(ع).*** وزارت راه و شهرسازی.

۴۵. میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۳). «معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها». ***هنرهای زیبا.*** (شماره ۱۹)، ۲۹-۳۸.

۴۶. نجیب‌کازرکار، نسرین؛ و همکاران. (۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی مداخله‌های کالبدی صورت گرفته در بافت قدیم مشهد (باتاکید بر دوره‌های صفوی، پهلوی و معاصر (پس از انقلاب اسلامی)». ***فقه و تاریخ تمدن.*** شماره ۲، ۴۳-۱۱.

۴۷. نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۷). ***درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی.*** تهران: پیام سیما.

۴۸. نقوی، پویان؛ و حامد مظاهریان. (۱۳۹۸). «تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه در طراحی معماری». ***باغ نظر.*** (شماره ۷۴)، ۶۹-۸۰.

۴۹. نقی‌زاده، محمد؛ و همکاران. (۱۳۸۹). «ملاحظات فرهنگی در شکل‌دهی به نماهای شهری با تکیه‌بر ساختار نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی». ***هویت شهر.*** (شماره ۷)، ۶۱-۷۴.

۵۰. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۶). ***ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی.*** اصفهان: سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری.

۵۱. نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۸۲). ***روح مکان: به‌سوی پدیدارشناسی معماری.*** ترجمه محمدرضا شیرازی. تهران: رخداد نو.

۵۲. یورماکا، کاری. (۱۳۹۱). ***مقدماتی بر روش‌های طراحی معماری.*** ترجمه کاوه بذرافکن. تهران: دانشگاه آزاد.

53. Capon, David Smith. (1999). ***Architectural Theory: Le Corbusier? Legacy: Principles of Twentieth-century***. England: John Wiley and Sons.

54. Curtis, William. (1985). ***Regionalism in Architecture***. Singapura: Concept Media.

55. Benn, Ernest. (1949). ***Cities in Evolution: An Introduction to the Town Planning Movement and to the Study of Civics***. London: Ernest Benn.

56. Heath, Kingston. (2009). ***Vernacular architecture and regional design***. London: Routledge.

57. Hufford, Mary. (1995). "Context". ***The Journal of American Folklore***. (vol 108), 528-549.

58. Jormakka, Kari. (2017). ***Basics design methods. In Basics Design Methods***. Birkhäuser.

59. Lefaivre, L. M., & Tzonis, A. (2007). ***Critical regionalism: architecture and identity in a globalized world***. Prestel publishing.

60. Özkan, Suha. (1985). "Regionalism within Modernism. Regionalism in Architecture". In *Proceedings of the Regional Seminar in the series Exploring Architecture in Islamic Cultures, Aga Khan Award for Architecture, Bangladesh University of Engineering and Technology and Institute of Architects*. Bangladesh, 8-16.

61. Rapoport, Amos. (2016). ***Human aspects of urban form: towards a man—environment approach to urban form and design***. Elsevier.

62. Stokols, Daniel. (1978). Environmental psychology. ***Annual review of psychology***. (vol 29), 253-295.

63. Tzonis, Alexander. (2003). "Introducing an architecture of the present. Critical regionalism and the design of identity". ***Critical Regionalism: Architecture and Identity in a Changing World***, 10-21.

64. Yin, R. K. (1994). ***Case study research: Design and methods***. Thousand Oaks, CA: Sage.

65. Url 1: www.google.com/map. 2019-12-19

66. Url 2: www.fa.wikipedia.org.2020-05-17